

تحلیل اقتصادی تولید و تعیین کارایی فنی در واحدهای نگهداری گاوهای شیری مطالعه موردی در استان فارس

چکیده

هدف کلی مطالعه حاضر، برآورد و تحلیل تابع تولید واحدهای نگهداری گاوهای شیری شهرستان شیراز، بررسی میزان منطقی بودن دامداران در استفاده از نهاده‌ها و تعیین کارایی فنی آنها است. آمار و اطلاعات مورد نیاز از ۶۶ واحد نگهداری گاوهای شیری شهرستان شیراز که بطور تصادفی انتخاب شده‌اند، جمع‌آوری گردیده است. توابع تولید کاب داگلاس و لگاریتمی متعالی (ترانسلوگ) دامداریها، به دو روش پاشنه‌ای و استفاده از شاخص دیویژیا برآورد گردید و مناسبترین فرم تابع مشخص شد. نتایج حاصل از این مطالعه تفاوت معنی‌داری میان کارایی فنی واحدهای مورد مطالعه نشان نداد. این نمایانگر اهمیت استفاده از تکنولوژی نوین بمنظور انتقال تابع تولید بسمت بالا و افزایش کارایی استفاده از نهاده‌هاست.

کلمات کلیدی: تابع تولید کاب داگلاس، تابع تولید ترانسلوگ، شاخص دیویژیا، کارایی فنی، واحدهای نگهداری گاوهای شیری

مقدمه:

از مسائل مهم جوامع درحال توسعه، تامین امنیت غذایی است. اهمیت دسترسی به غذای کافی و مناسب، بعنوان یکی از اصول حقوق بشر، در تمامی سازمانهای بین‌المللی شناخته شده است. در این بین، شیر غذای کاملی است که همواره مورد توجه دولتها بوده است. بگونه‌ای که گاهی بصورت تغذیه در مدارس به پرداخت یارانه به آن، دسترسی مردم را به این ماده غذایی تسهیل می‌سازد.

استان فارس دارای جایگاه ویژه‌ای در زمینه تولید شیر در کشور است. اما، وجود مسائل و مشکلاتی در زمینه تولید این محصول مهم در امر تغذیه باعث شده که واحدهای تولید شیر این استان نتوانند آنطور که باید تمام توان خود را در تولید بکار گیرند.

تحقیق حاضر بمنظور برآورد و تحلیل تابع تولید واحدهای نگهداری گاوداری شیری استان فارس، بررسی میزان منطقی بودن دامداران در بکارگیری نهاده‌ها و

تعیین کارایی فنی دامداران صورت گرفته است. با بررسی وضعیت تولیدی و اقتصادی این واحدها و شناخت نکات ضعف تولیدی و مدیریتی آنها می‌توان پیشنهادهایی در رابطه با بهبود وضعیت واحدهای تولید شیر ارائه نمود.

مواد و روشها:

اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش از پرسشنامه‌های مربوط به ۶۶ واحد نگهداری گاوهای شیری شهرستان شیراز، که توسط مرکز تحقیقات کشاورزی استان فارس در سال ۱۳۷۹ تهیه گردیده است، استخراج شده است. این پرسشنامه‌ها، به روش مصاحبه حضوری و بطور تصادفی تهیه گردیده است. آمار ثانویه از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها از بسته‌های نرم‌افزاری SPSS10 و FRONTIER4.1 و EViews 3.0 استفاده گردید.

تخمین تابع تولید واحدهای تولید شیر شهرستان شیراز به دو روش پاشنه‌ای^۲ و استفاده از شاخص دیویژیا، صورت گرفت. در هر یک از روشها دو فرم تابع تولید

۱. به ترتیب: استاد بخش اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز و دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز





لگاریتمی (کاب داگلاس)، و تابع تولید لگاریتمی متعالی (ترانسلوگ) برآورد گردید. سپس، با استفاده از آزمون فیشر حداقل مربعات معمولی، بهترین فرم تابع تولید در هر یک از موارد انتخاب شد.

در روش پاشنه ای، تابع تولید کاب داگلاس، و تولید لگاریتمی متعالی به صورت زیر و با متغیرهای ذکر شده مورد استفاده قرار گرفت:

$$\ln y_i = a + \sum_{j=1}^n a_j \ln X_{ji} + \sum_{j=1}^f \theta_j D_{ji} + \varepsilon_i; i=1, 2, \dots, 66 \quad (1)$$

(ب) تابع تولید ترانسلوگ (۲):

$$\ln y_i = a + \sum_{j=1}^n a_j \ln X_{ji} + \sum_{j=1}^f \beta_j (\ln X_{ji})^2 + \sum_{j=1}^n \sum_{k=1}^n \gamma_{jk} \ln X_{ki} \ln X_{ji} + \sum_{j=1}^f \theta_j D_{ji} + \varepsilon_i; i=1, 2, \dots, 66$$

که، Y_i میزان تولید روزانه شیر واحد i ام برحسب کیلوگرم، X_{1i} مقدار مصرف کنسانتره^۱ روزانه واحد دامداری برحسب کیلوگرم، X_{2i} مقدار مصرف روزانه علوفه^۲ واحد دامداری بر حسب کیلوگرم، X_{3i} متوسط وزن گاو شیری بر حسب کیلوگرم، X_{4i} میزان تلفات واحد (بعنوان معیاری از شاخص بهداشت)، X_{5i} اندازه گله گاوهای شیری، D_1 سن دامدار، D_2 سطح کمی شده تحصیلات α_0 تا α_5 پارامترهای تابع و ε_i جمله اختلال در توابع مورد بررسی می باشد.

شاخص دیویژیا یکی از معروفترین و کاراترین شاخصهای عددی است که از دیرباز در زمینه های مختلف کاربرد گسترده ای داشته است (۱۳). این شاخص در واقع مجموع موزونی است از نرخهای رشد که در آن، وزنهای سهم هر نهاده از ارزش کسب نهاده ها است. یکی از کاربردهای این شاخص، جمعی سازی نهاده ها و کاهش تعداد آنها و در نهایت کاهش شدت همخطی در برآورد تابع تولید است (۱۳). از آنجا که تعداد جملاتی که باید در تابع تولید تخمین زده شود در فرمهای ترانسندنتال و بخصوص ترانسلوگ با افزایش متغیرها بطور تصاعدی افزایش می یابد و مشکل همخطی را بدنبال خواهد داشت، در این تحقیق با استفاده از این شاخص سعی شده است که اثر هر کدام از نهاده ها روی تولید محاسبه گردد.

شاخص دیویژیا به اشکال مختلفی مورد استفاده قرار می گیرد:

(الف) شاخصی که توسط رابرت سولو^۳ در سال ۱۹۵۷ نشان داده شده است. این شاخص در فرم پیوسته عبارتست از:

$$D(T) = \text{Exp} \left\{ \left[\frac{\sum p_i(t) x_i(t) x_i^*(t)}{\sum (p_j(t) x_j(t) x_i(t))} \right] \right\} = \text{Exp} \left[\int T \rho d\alpha(t) \right] \quad (3)$$

که J نمایانگر قیمتتهای نرمال شده است، T منحنی توضیح داده شده بوسیله a و t و $T < 0$ است. در داده های مقطعی که زمان ثابت است، این شاخص

بصورت زیر تبدیل می شود:

$$D = \text{Exp} \left[\sum_{i=1}^n V_i \log x_i \right] \quad (4)$$

$$V_i = \frac{p_i x_i}{\sum p_j x_j} \quad \text{که}$$

و تحت شرایطی که همگنی خطی برقرار نباشد، وزن ها از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$V_i = \frac{p_i x_i}{p \cdot x} \quad (5)$$

(ب) شاخصی که توسط مارسل ک. ریچتر^۴ در سال ۱۹۶۶ معرفی گردیده است. این شاخص با دو متغیر بصورت زیر می باشد:

$$D = X_1^{\nu_1} X_2^{\nu_2}$$

که V_1 و V_2 برابرند با:

$$V_1 = \frac{X_1}{X_1 + X_2} \quad V_2 = \frac{X_2}{X_1 + X_2} \quad (7)$$

قابل ذکر است که با استفاده از این شاخص می توان کسبش تولید برای هر یک از نهاده ها را بصورت جداگانه محاسبه کرد.

در مطالعه حاضر از شاخص دیویژیا معرفی شده توسط ریچتر^۴، در سال ۱۹۶۶ استفاده شد. بمنظور بررسی اثرات متغیرهای مختلف بر میزان تولید و تعیین مقدار بهینه هر یک از آنها بطور جداگانه، این شاخص در چند حالت محاسبه و مورد استفاده قرار گرفت. برای محاسبه تولید نهایی هر یک از عوامل تولید، روش پیشنهاد شده بوسیله ماباوانکو و آسوجی (۱۹۷۹)، بکار برده شد (۲). در این روش ابتدا ارزش تولید متوسط نهاده موردنظر برای هر یک از زارعین، با استفاده از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$AP_i = \frac{Y}{X_i} \quad (8)$$

که AP_i تولید متوسط نهاده i ام، Y ارزش متغیر وابسته و X_i مقدار نهاده i ام می باشد. سپس، با تقسیم مجموع تولید متوسط آن نهاده بر تعداد زارعین میانگین تولید متوسط نهاده محاسبه می شود و با داشتن ضریب حساسیت تولید نسبت به آن عامل تولید (α_i) و با استفاده از رابطه زیر، ارزش میانگین تولید نهایی آن نهاده (MP_i) قابل محاسبه است:

$$MP_i = \alpha_i AP_i \quad (9)$$

کارآیی عبارت از ارزش محصول به ارزش نهاده می باشد. به این ترتیب واحدهایی که در سطح خاصی از تکنولوژی با اعمال مدیریت صحیح، بیشترین ستانده را از مجموعه مشخصی از عوامل تولید، داشته باشند، دارای بالاترین کارآیی هستند و نسبت ستانده سایر واحدهای مشابه به ستانده این واحد، میزان کارآیی واحدهای مشابه را بدست خواهد داد (۱۰). لذا بنظر می رسد که

۱. کنسانتره شامل نان خشک، سیوس، جو، ذرت دانه ای و کنسانتره می باشد.
۲. علوفه شامل یونجه، کاه گندم و ذرت علوفه ای می باشد.

۳. Robert Solow

۴. Marcel, K. Ritcher

با تعیین کارایی واحدهای مورد مطالعه می توان وضعیت تولیدی، اقتصادی و مدیریتی واحدها را مطالعه کرد و در جهت بهبود شرایط و افزایش سودآوری آنها پیشنهاداتی را ارائه نمود.

فارل (۱۹۵۷) برای نخستین بار، با توسعه نظریه های دبیـــــرور (۱۹۵۱) و کوپـــــمن (۱۹۵۱) از روش تابع تولید مرزی استفاده کرد. اما این روش در دهه های اخیر پیشرفت قابل ملاحظه ای کرده است. باتیس روشهای مورد استفاده در این زمینه را به دو گروه معین (قطعی) و تصادفی (استوکستیک) تقسیم می کند (۴).

بمنظور تعیین کارایی از روش تابع تولید مرزی تصادفی استفاده گردید. در این روش میزان محصول، تابعی از بردار متغیرهای برونزا بوده اما فرض میشود جمله اختلال این تابع دو جز دارد (۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰ و ۱۲):

$$Y_i = f(X_i, \beta) \exp(V_i - U_i)$$

V_i نمایانگر قسمتی از جمله خطاست که به متغیرهای تصادفی و خارج از کنترل بهره بردار مربوط می شود که دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس می باشد. U_i مربوط به کارایی فنی واحدهاست که دارای توزیع نرمال یک دامنه است. برای واحدهایی که مقدار تولید آنها بر روی تابع تولید مرزی قرار می گیرد، U_i برابر صفر است اما برای واحدهایی که تولید آنها زیر منحنی تولید مرزی قرار دارد، U_i بزرگتر از صفر است (۹).

بنابراین واریانس کل جمله اختلال برابر است با:

$$\sigma^2 = \sigma_u^2 + \sigma_v^2$$

و می توان نوشت:

$$\lambda = \frac{\sigma_u}{\sigma_v}$$

(۱۳)

$$\gamma = \frac{\sigma_u^2}{\sigma^2} = \frac{\sigma_u^2}{\sigma_u^2 + \sigma_v^2}$$

با صفر شدن γ ، این مفهوم استخراج می شود که بعلت عدم وجود U_i در مدل، تمام تغییرات و اختلافات موجود میان واحدها مربوط به عوامل غیرقابل کنترل توسط بهره بردار است. در این صورت روش حداقل مربعات معمولی به روش حداکثر درستنمایی ترجیح داده می شود. اما اگر γ غیر صفر باشد، بخشی از تغییرات و اختلافات موجود میان واحدها مربوط به عوامل مدیریتی و بخش دیگر آن بعلت وجود شرایط غیر قابل کنترل توسط کشاورز است که در اینحالت روش حداکثر درستنمایی بکار می رود (۶).

برای تخمین پارامترها در توابع تولید مرزی تصادفی ابتدا فرضیاتی درمورد اجزای جمله پسماند تابع تولید مرزی تصادفی آزمون می شود. این فرضیات عبارتند از:

- (۱) بدون محدودیت،
- (۲) $\mu=0$
- $\mu=\gamma=0$

بنابراین توابع موردنظر در چارچوب فرضیات مذکور به روش حداکثر درستنمایی و جداگانه تخمین زده شد و برای انتخاب بهترین مدل از آزمون نسبت حداکثر درستنمایی تعمیم یافته^۱ استفاده گردید. در این آزمون آماره χ^2 (chi-square) نسبت حدائر درستنمایی می باشد که از روش زیر بدست آمده و تحت فرضیه صفر با آماره بطور مجانبی، هم توزیع است (۳ و ۶).

(۱۴)

$$\lambda = -2[\text{Loglikelihood}(H_0) - \text{Loglikelihood}(H_1)]$$

نتایج و بحث:

با استفاده از اطلاعات بدست آمده از مرکز تحقیقات کشاورزی استان فارس برای اعضا نمونه مورد بررسی، توابع تولید میزان شیر تولیدی برای واحدهای تولید شیر شهرستان شیراز به دو شکل کاب داگلاس و ترانسلوگ برآورد شد. تخمینهای پاشنه ای این توابع بصورت عباتند از:

الف) تابع تولید به فرم کاب داگلاس

$$\text{Ln}y = -6.139 - 0.192 \text{Ln}X_1 + 1.422 \text{Ln}X_2 + 0.099 \text{Ln}X_3$$

$$t: (-9.175) \quad (12.067) \quad (1.820) \quad (-2.133)$$

ب) تابع تولید به فرم ترانسلوگ

$$\text{Ln}y = 2.188 + 0.538 \text{Ln}X_1 + 0.955 \text{Ln}X_2 - 2.199 \text{Ln}X_3 - 0.270 (\text{Ln}X_1)^2 - 0.02 (\text{Ln}X_2)^2$$

$$t: (2.363) \quad (2.154) \quad (1.755) \quad (-2.540) \quad (-1.881) \quad (-2.364)$$

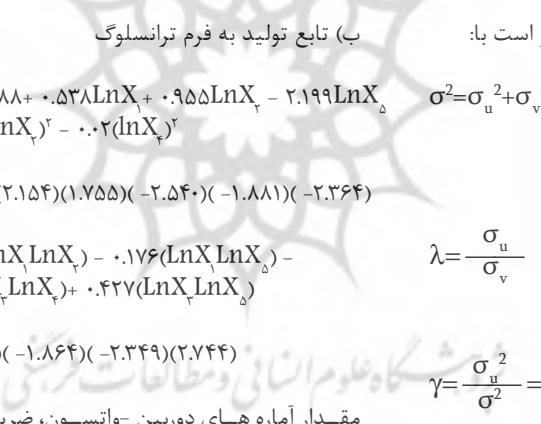
$$- 0.01 (\text{Ln}X_1 \text{Ln}X_2) - 0.176 (\text{Ln}X_1 \text{Ln}X_3) - 0.03 (\text{Ln}X_2 \text{Ln}X_3) + 0.427 (\text{Ln}X_1 \text{Ln}X_2)$$

$$(-2.482) \quad (-1.864) \quad (-2.349) \quad (2.744)$$

مقدار آماره های دوربین-واتسون، ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده، F تابع، F آزمون تعیین خطای تصریح مدل (ریست رمزی) و F آزمون عدم واریانس ناهمسانی (وایت) هر یک از توابع بالا در جدول (۱) آورده شده است.

پس از برآورد تابع تولید، بمنظور تعیین مناسبترین شکل تابع از آزمون فیشر حداقل مربعات و آزمون تعیین خطای تصریح ریست رمزی استفاده گردید. در این میان توجه به خصوصیات مطلوب تابع، ازجمله مقدار آماره دوربین واتسون و عدم وجود واریانس ناهمسانی نیز در تعیین بهترین فرم تابع مورد نظر قرار گرفت.

همانطور که از جدول (۱) مشخص است، هیچیک از دو تابع از لحاظ واریانس ناهمسانی و خطای تصریح مشکلی ندارند. با استفاده از آزمون فیشر حداقل مربعات و با توجه به F محاسبه شده (۰/۶۱۳)، فرم کاب داگلاس بر ترانسلوگ ترجیح داده شد. این تابع با تمام محدودیتهایش، بعلت کاربرد ساده و گسترده اش در زمینه کشاورزی هنوز هم مورد استفاده است.



جدول شماره (۱): آماره های توابع تولید تخمین زده شده به روش پاشنه ای

فرم تابع	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیلی	دوربین واتسون	F تابع تخمین	F آزمون ریست رمزی	F آزمون وایت
کاب داگلاس	۰/۷۳۲	۰/۷۱۹	۰/۶۷۴	۵۶/۴۷۸	۱/۴۹۷۳	۰/۹۴۷۲
ترانسلوگ	۰/۷۸۰	۰/۷۴۵	۰/۰۳۶	۲۲/۱۲۱	۰/۱۷۱۷	۰/۸۳۱۷

ماخذ: یافته های تحقیق

فرم بهینه تابع انجام شد. از آنجا که آماره بدست آمده از این آزمون برابر ۲/۳۴۳ و در نتیجه کوچکتر از مقدار بحرانی است، تابع کاب داگلاس انتخاب گردید. بدین ترتیب توابع تولید، تولید متوسط و تولید نهایی عبارتند از:

تابع تولید:

$$\ln Y = -2.389 + 0.35 \ln X_1 + 0.735 \ln I_1 + 0.077 D_1$$

$$t: (-2.577) (2.561) (4.734) (3.365)$$

تابع تولید متوسط:

$$AP_1 = 0.917 X_1^{-0.965} I_1^{0.735} e^{0.077 D_1}$$

تابع تولید نهایی:

$$MP_1 = 0.032 X_1^{-0.965} I_1^{0.735} e^{0.077 D_1}$$

کشش این نهاده (درصد تغییر در میزان تولید شیر در اثر یک درصد تغییر در مصرف روزانه کنسانتره) برابر با ۰/۰۳۵ و کمتر از واحد است. این امر گویای عمل کردن دامداران در استفاده از این نهاده در ناحیه اول تولید و استفاده کمتر از حد بهینه اقتصادی از این نهاده است. میانگین مصرف روزانه کنسانتره توسط ۶۶ واحد دامداری ۶/۷۵ کیلوگرم است و این در حالی است که بهترین مقدار مصرف این نهاده در نقطه متوسط تولید برابر ۲/۶۰ کیلوگرم بصورت روزانه است. این نتیجه نیز استفاده کمتر از حد بهینه اقتصادی این نهاده را

همسانگونه که از تابع تولید لگاریتمی و آماره های موجود در جدول شماره (۱) بر می آید، متغیرهای علوفه مصرفی روزانه واحد، متوسط وزن گاوشیری و میزان تلفات، تنها ۷۳ درصد از نوسانات تولید شیر در واحدها را توجیه کرده اند. سایر نکاتی که می توان از تابع تولید استخراج نمود، از توابعی دست آمد که با استفاده از شاخص دیویژیا برآورد گردیدند.

الف) بررسی اثر میزان مصرف روزانه کنسانتره:

در این حالت سایر متغیرها در قالب شاخصی که بطریق زیر قابل محاسبه است، وارد تابع می شوند و بررسی اثر مقدار مصرف روزانه کنسانتره را ممکن می سازد:

$$I_1 = X_1^{v_1} X_2^{v_2} X_3^{v_3} X_4^{v_4} X_5^{v_5}$$

$$V_i = \frac{X_i}{X_1 + X_2 + X_3 + X_4 + X_5}$$

$$\hat{i} = 2, 3, 4, 5$$

در این قسمت تولید شیر بعنوان تابعی از شاخص محاسبه شده فوق و میزان مصرف روزانه کنسانتره در نظر گرفته شد و تابع تولید به دو صورت کاب داگلاس و ترانسلوگ برآورد گردید که نتایج تخمین در جدول (۲) منعکس شده است. آزمون فیشر حداقل مربعات نیز بمنظور تعیین

جدول شماره (۲): آماره های توابع تولید تخمین زده شده با شاخص I₁:

فرم تابع	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیلی	دوربین واتسون	F تابع تخمین	F آزمون ریست رمزی	F آزمون وایت
کاب داگلاس	۰/۵۹۳	۰/۵۸۱	۱/۸۲۸	۴۵/۹۸۹	۰/۲۱۴	۰/۶۹۷
ترانسلوگ	۰/۶۳۷	۰/۶۱۹	۲/۰۵۵	۳۶/۲۷۵	۱/۰۷۳	۰/۶۶۳

ماخذ: یافته های تحقیق

و ضروری است. با کاهش مقدار علوفه میزان فیبره جیره کاهش می یابد و بنابراین درصد چربی شیر نیز کاهش می یابد. به منظور بررسی اثر این نهاده مهم، شاخص دیویژیا زیر محاسبه شد:

$$I_1 = X_1^{v_1} X_2^{v_2} X_3^{v_3} X_4^{v_4} X_5^{v_5}$$

$$V_i = \frac{X_i}{X_1 + X_2 + X_3 + X_4 + X_5}$$

$$\hat{i} = 1, 3, 4, 5$$

تایید می کند. همانگونه که در تابع تولید مشاهده می گردد، میزان مصرف کنسانتره روزانه دارای رابطه مستقیم با میزان تولید شیر می باشد. این مطلب نیز موید متون تخصصی دامپروری است که تغذیه کم موجب کم شدن مقدار شیر و درصد لاکتوز شده، اما درصد چربی پروتئین و مینرالها را افزایش می دهد. بنابراین با افزایش کنسانتره در جیره غذایی میزان فیبره جیره کاهش و درصد چربی شیر افزایش می یابد.

ب) بررسی اثر مقدار مصرفی روزانه علوفه: علوفه برای جلوگیری از کاهش درصد چربی شیر لازم

نوسعه بهره وری



و با توجه به جدول (۳)، و آزمون فیشر حداقل مربعات توابع تولید، تولید متوسط و تولید نهایی بترتیبی که در زیر آمده است، استخراج شدند.

با توجه به مقدار آماره F آزمون فیشر تابع کاب داگلاس برتابع ترانسلوگ ترجیح داده شد و تابع بصورت زیر بدست آمد.

تابع تولید:

$$\ln Y = -4.864 - 0.236 \ln X_1 + 1.273 \ln I_1 + 0.044 D_1$$

(۲.۱۶۲) (۸.۲۱۰) (-۲.۰۳۸) (-۵.۶۲۵) t:
تابع تولید متوسط:

$$AP_p = 4.864 X_1^{-1.236} I_1^{1.273} e^{0.044 D_1}$$

تابع تولید نهایی:

$$MP_p = 1.148 X_1^{-1.236} I_1^{1.273} e^{0.044 D_1}$$

جدول شماره (۳): آماره های توابع تولید تخمین زده شده با شاخص I۲:

فرم تابع	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیلی	دوربین واتسون	F تابع تخمین	F آزمون ریست رمزی	F آزمون وایت
کاب داگلاس	۰/۵۸۲	۰/۵۶۲	۱/۷۴۴	۲۸/۸۲۹	۰/۲۲۲۶	۰/۸۳۷۱
ترانسلوگ	۰/۵۹۲	۰/۵۷۲	۱/۷۶۱	۲۹/۹۳۳	۰/۷۰۸۶	۰/۵۵۶۲

ماخذ: یافته های تحقیق

$$I_p = X_1^{v_1} X_2^{v_2} X_3^{v_3} X_4^{v_4} X_5^{v_5}$$

$$V_i = \frac{X_i}{X_1 + X_2 + X_3 + X_4 + X_5}$$

$$i=1,2,3,4,5$$

تابع تولید تابعی از وزن گاوشیری و شاخص دیویزیایی مورد نظر در نظر گرفته شد. نتایج تخمین توابع تولید به فرمهای کاب داگلاس و ترانسلوگ در جدول (۴) آمده است.

همانطور که مشاهده می گردد، در هر دو حالت تنها یک متغیر معنی دار شده و تابع تولید و بنابراین تولید متوسط و تولید نهایی عبارتند از:

$$\ln Y = -6.196 + 1.398 \ln X_1$$

$$t : (-8.823) (12.048)$$

تابع تولید متوسط:

$$AP_p = -6.196 X_1^{0.398}$$

تابع تولید نهایی:

$$MP_p = -8.662 X_1^{0.398}$$

بنابراین درحالیکه کشش نهاده وزن گاوشیری برابر ۱/۳۹۸ می باشد، مقدار مصرف بهینه این نهاده در نقطه متوسط تولید ۴۵۴/۳۹ کیلوگرم است. ضمن اینکه متوسط این نهاده در نمونه مورد مطالعه ۴۳۷/۴۲ کیلوگرم می باشد.

بنابراین کشش میزان مصرف روزانه علوفه برابر است با ۰/۲۲۶ -، که نشان دهنده بی کشش بودن این نهاده است. از سوی دیگر هم بیانگر این نکته است که نهاده مورد نظر، بیش از حد لازم توسط بهره برداران مورد استفاده قرار می گیرد. این نتیجه از مقایسه مقدار متوسط نهاده و مقدار بهینه این نهاده در نقطه متوسط تولید نیز بدست می آید. چرا که میانگین استفاده دامداران از این نهاده روزانه ۷/۹۵ کیلوگرم می باشد، درحالیکه مقدار بهینه این نهاده در نقطه متوسط تولید ۵/۸۵ کیلوگرم است.

ج(بررسی اثر وزن گاوشیری:

سن و اندازه گاو شیری یکی از عواملی است که به عقیده متخصصین دامپروری روی میزان تولید شیر موثر است. به این نحو که با افزایش سن میزان تولید شیر زیاد میشود و در مقایسه با تلیسه ها، گاوهای شیری مسن ۲۵٪ شیر بیشتری تولید می کنند. ضمن اینکه افزایش وزن بدن هم تولید شیر را تا ۵٪ زیاد می کند و گاوهای شیری بزرگتر نسبت به کوچکترها شیر بیشتری تولید می نمایند. البته متخصصین بر این باورند که تولید شیر با وزن بدن رابطه مستقیم ندارد. بطور مثال حیوان ۵۰۰ کیلوگرمی نسبت به حیوان ۲۵۰ کیلوگرمی دو برابر شیر تولید نمی کند بلکه تنها ۷۰٪ شیر بیشتری تولید می نماید.

به منظور بررسی اثر وزن گاوشیری در نمونه مورد نظر، از شاخص دیویزیایی که بطریق زیر ساخته می شود، استفاده گردید.

جدول شماره (۴): آماره های توابع تولید تخمین زده شده با شاخص I۳:

فرم تابع	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیلی	دوربین واتسون	F تابع تخمین	F آزمون ریست رمزی	F آزمون وایت
کاب داگلاس	۰/۶۹۴	۰/۶۸۹	۱/۸۰۲	۱۴۵/۱۴۵	۰/۳۸۸	۰/۹۴۳
ترانسلوگ	۰/۶۹۴	۰/۶۸۹	۱/۸۰۲	۱۴۵/۱۴۵	۰/۳۲۵	۰/۸۱۴

ماخذ: یافته های تحقیق





د) بررسی اثر میزان تلفات واحد دامداری:

میزان تلفات واحد بعنوان شاخصی از رعایت بهداشت توسط دامدار در تحقیق حاضر وارد گردیده است. در این قسمت نیز شاخص دیویژیا مشابه حالات قبل، محاسبه و در تابع تولید مورد استفاده قرار گرفت.

$$I_p = X_1^{v_1} X_2^{v_2} X_3^{v_3} X_4^{v_4}$$

$$V_i = \frac{X_i}{X_1 + X_2 + X_3 + X_4}$$

$$i = 1, 2, 3, 4$$

آماره های لازم جهت بررسی و مقایسه میان دو فرم تابع تولید در جدول (۵) آمده است. همانطور که از این جدول بر می آید، تابع تولیدی به فرم لگاریتمی متعالی،

بعلت دارابودن آماره F آزمون تعیین خطای تصریح ریست رمزی معنی دار از لحاظ آماری، دارای خطای تصریح می باشد. و از سوی دیگر نیز آزمون فیشر حداقل مربعات نیز برتری فرم لگاریتمی تابع را تایید می نماید. بنابراین توابع تولید متوسط و تولید نهایی در اینحالت بصورت زیر هستند:

$$\text{تابع تولید: } \ln Y = -4.626 + 0.007 \ln X_1 + 1.179 \ln I_p + 0.322 D_p$$

$$t : (-6.267) (1.798) (9.445) (1.797)$$

تابع تولید متوسط:

$$AP_p = -4.626 X_1^{0.993} I_p^{1.179} e^{0.322 D_p}$$

تابع تولید نهایی:

$$MP_p = 0.322 X_1^{-0.993} I_p^{1.179} e^{0.322 D_p}$$

جدول شماره (۵): آماره های توابع تولید تخمین زده شده با استفاده از شاخص I۴:

فرم تابع	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیلی	دوربین واتسون	F تابع تخمین	F آزمون ریست رمزی	F آزمون وایت
کاب داگلاس	۰/۶۹۱	۰/۶۷۶	۱/۷۴۶	۴۶/۱۸۵	۰/۱۰۵۳	۰/۱۸۴۵
ترانسلوگ	۰/۷۰۵	۰/۶۹۱	۱/۸۲۴	۴۹/۴۵۶	۳/۱۶۵۲*	۱/۳۷۴

ماخذ: یافته های تحقیق

* از لحاظ آماری در سطح ۹۵٪ معنیدار است.

کاهش نهاده تلفات برابر ۰/۰۰۶۹ می باشد. درحالیکه متوسط تلفات کل واحدهای مورد مطالعه برابر ۲۰/۲۲ کیلوگرم بوده است، میزان بهینه این متغیر در نقطه متوسط تولید، به میزان ۰/۰۰۲ کیلوگرم بدست آمد که به زبانی حکایت از زیاد بودن مقدار تلفات نسبت به حد بهینه دارد. ملاحظه می گردد که سنتی بودن اکثر واحدهای مورد مطالعه از یک سو، و توجه و رعایت کمتر نکات بهداشتی و دامپروری مدرن و علمی در واحدهای مذکور، عامل مهمی در افزایش میزان تلفات آنها می باشد.

ی) بررسی اثر اندازه گله:

اندازه گله از عوامل متغیر دیگری است که در این تحقیق بعنوان عامل موثری بر میزان تولید شیر واحد نگهداری گاوهای شیری بررسی شد. در واحدهای غیر صنعتی که تعداد بسیاری از واحدهای تحت بررسی را در این مطالعه تشکیل داده است، در صورتیکه بتوانند از کارگران بیشتری استفاده کنند تا شرایط متغیر واحد دامداری را کنترل نمایند، سودآوری زیادی خواهد داشت، اما معمولاً بعلت محدودیت امکانات مالی، امکان استفاده از تعداد مناسب کارگر برای این واحدها وجود ندارد. شاخص دیویژیای I۴ که امکان جمعی سازی سایر متغیرها بجز اندازه گله را فراهم آورده، بررسی اثر اندازه گله را آسان می نماید. این شاخص چون حالات قبل بصورت زیر ساخته می شود:

$$I_p = X_1^{v_1} X_2^{v_2} X_3^{v_3} X_4^{v_4}$$

$$V_i = \frac{X_i}{X_1 + X_2 + X_3 + X_4}$$

$$i = 1, 2, 3, 4$$

با قرار دادن این شاخص به همراه متغیر اندازه گله در تابع تولید، توابع تولید کاب داگلاس و ترانسلوگ تخمین زده شد که آماره های این توابع در جدول (۶) آمده است.



از آنجا که آزمون فیشر حداقل مربعات در این حالت هم چون حالات قبل، مناسبتر بودن تابع کاب داگلاس را تایید میکند، توابع تولید، تولید متوسط و تولید نهایی بصورت زیر بدست آمدند:

تابع تولید متوسط:

$$AP_{\delta} = -5.798X_{\delta}^{-0.81}I_{\delta}^{1.311}$$

تابع تولید نهایی:

$$MP_{\delta} = 1.113X_{\delta}^{-0.81}I_{\delta}^{1.311}$$

$$\ln Y = -5.798 + 0.192 \ln X_{\delta} + 1.311 \ln I_{\delta}$$

$$t : (-7.387) (30.137) (9.790)$$

جدول شماره (۶): آماره های توابع تولید تخمین زده شده با استفاده از شاخص ۱۵:

فرم تابع	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیلی	دوربین واتسون	F تابع تخمین	F آزمون ریست رمزی	F آزمون وایت
کاب داگلاس	۰/۶۴۱	۰/۶۲۹	۱/۷۱۱	۵۶/۱۸۵	۰/۳۳۰	۰/۸۱۱
ترانسلوگ	۰/۶۵۲	۰/۶۴۱	۱/۷۰۱	۵۹/۱۳۵	۰/۶۱۰	۰/۷۹۱

ماخذ: یافته های تحقیق

همانگونه که از تابع تولید و ضریب متغیر اندازه گله مشخص است، کشش این متغیر برابر ۰/۱۹۲ می باشد که نمایانگر کوچکی گله در نمونه مورد بررسی، نسبت به اندازه بهینه اقتصادی است. متوسط اندازه گله ۶۶ واحد بهره برداری ۷/۷۸۸ راس بوده است. این در حالی است که تعداد بهینه دامها در نقطه متوسط تولید برابر ۸/۶۲۰ راس می باشد.

جدول (۷) بطور خلاصه کلیه خصوصیات آماری و اقتصادی متغیرها را نشان می دهد. با این توضیح که سواد بهره برداران با تقسیم شدن به هفت سطح بیسواد، خواندن و نوشتن، ابتدایی، سیکل، دیپلم، فوق دیپلم و بالاتر از فوق دیپلم کمی شده است.

جدول شماره (۷): خصوصیات آماری و اقتصادی متغیرهای مورد مطالعه:

متغیر	حداکثر	حداقل	میانگین	ناحیه عمل دامداران	حد بهینه در نقطه متوسط تولید	کشش متغیر
مصرف کنسانتره (kg)	۱۸/۰۰	۰/۰۰	۶/۷۷۲	اول	۲۰/۶۰۰	۰/۰۳۵
مصرف علوفه (kg)	۱۷/۰۰	۲/۱۰	۷/۹۵۷	سوم	۵/۸۵۰	- ۰/۲۳
وزن گاو شیری (kg)	۷۰۰	۲۰۰	۴۳۷/۴۲	دوم	۴۵۴/۳۹	۱/۳۹۸
تلفات واحد (kg)	۲۵۰/۰	۰/۰۰	۲۰/۲۲۰	اول	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷
اندازه گله (راس)	۴۹	۲	۷/۷۸۸	اول	۸/۶۱۹	۰/۱۹۲
سن دامدار	۸۰	۲۵	۵۱/۳۵	-	-	-
سطح سواد	۷*	۱**	۲/۵***	-	-	-

ماخذ: یافته های تحقیق

* تحصیلات بیش از فوق دیپلم می باشد.

** بیسواد است.

*** ۲/۵ نشاندهنده تحصیلات به اندازه ابتدایی است.

بررسی کارایی واحدهای دامداری:

بمنظور تخمین کارایی فنی، با استفاده از تابع تولید مرزی و عوامل موثر بر عدم کارایی فنی، و بر اساس انتخاب بهترین فرم تابع تولید تخمین زده شده به روش پاشنه ای، تابع تولید مرزی تصادفی واحدهای تولید شیر در قالب مدل لگاریتمی برآورد گردید.

برای تخمین پارامترها، ابتدا سه فرض مذکور برای متغیرهای و، جداگانه و به روش حداکثر درستنمایی برآورد گردید. نتایج این تخمینها در جداول (۸)، (۹) و (۱۰) آمده است. سپس با استفاده از آزمون حداکثر درستنمایی تعمیم یافته، از میان سه مدل بهترین مدل انتخاب گردید.



جدول شماره (۸): تخمین حداکثر درست‌نمایی پارامترهای تابع تولید لگاریتمی مرزی تصادفی دامداران شیراز، (فرضیه یک: بدون محدودیت)

آماره t	ضریب	پارامتر
- ۶/۷۶۷	- ۵/۷۹۲	β
۰/۲۱۶	۰/۰۰۲	β_1
- ۲/۱۰۲	- ۰/۱۹۹	β_2
۱۰/۳۲۰	۱/۳۶۹	β_3
۰/۲۹۴	۰/۰۰۱	β_4
۱/۳۹۷	۰/۰۷۶	β_5
۱/۲۱۸	۰/۱۰۴	$\sigma^r + \sigma_u^r = \sigma_v^r$
۲/۹۰۸	۰/۷۴۳	$\gamma = \frac{\sigma_u^r}{\sigma^r}$
۰/۱۴۴	۰/۰۶۹	μ
-	۰/۳۶۵	Loglikelihood

ماخذ: یافته‌های تحقیق



جدول شماره (۹): تخمین حداکثر درست‌نمایی پارامترهای تابع تولید لگاریتمی مرزی تصادفی دامداران شیراز (فرضیه دو: $m=0$)

آماره t	ضریب	پارامتر
- ۷/۱۷۳	- ۵/۵۲۱	β
۰/۲۱۶	۰/۰۰۲	β_0
- ۲/۱۱۷	- ۰/۲۰۱	β_1
۱۰/۶۹۲	۱/۳۷۲	β_2
۰/۲۷۷	۰/۰۰۱	β_3
۱/۳۹۸	۰/۰۷۶	β_4
۲/۷۹۲	۰/۱۱۵	$\sigma^r + \sigma_u^e = \sigma_v^r$
۳/۵۵۱	۰/۷۶۰	$\gamma = \frac{\sigma_u^r}{\sigma^r}$
-	-/۰۰	μ
-	۰/۳۵۷	Loglikelihood

ماخذ: یافته‌های تحقیق



جدول شماره (۱۰): تخمین حداکثر درست‌نمایی پارامترهای تابع تولید لگاریتمی مرزی تصادفی دامداران شیراز (فرضیه سه: $m=g=0$)

پارامتر	ضریب	آماره t
β_0	- ۵/۹۲۹	- ۷/۶۱۹
β_1	۰/۰۰۱	۰/۱۱۸
β_2	- ۰/۱۸۵	- ۱/۹۵۶
β_3	۱/۳۹۴	۱۰/۳۸۹
β_4	۰/۰۰۲	۰/۵۱۳
β_5	۰/۰۸۹	۱/۴۹۱
$\sigma^2 + \sigma_u^2 = \sigma_v^2$	۰/۰۶۵	-
$\gamma = \frac{\sigma_u^2}{\sigma^2}$	۰/۰۰	-
μ	۰/۰۰	-
Loglikelihood	- ۰/۱۲۲	-

ماخذ: یافته‌های تحقیق

با قرار دادن مقادیر LogLikelihood در رابطه ۱۴ و امکان آزمون فرضیات پیش‌گفته فراهم می‌آید. نتیجه این بدست آوردن مقدار آماره و مقایسه آن با مقدار جدول آزمون در جدول (۱۱) آمده است.

جدول شماره (۱۱): آزمون نسبت حداکثر درست‌نمایی تعمیم یافته:

فرضیه HO	ارزش X^2 محاسباتی	ارزش X^2 جدول (۹۵٪)	تصمیم
$\mu = 0$	۰/۰۱۶	۳/۸۴	پذیرش
$\mu = 0$	۰/۹۵۸	۳/۸۴	پذیرش
$\mu = \gamma = 0$	۰/۹۷۴	۵/۹۹	پذیرش

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همانگونه که از جدول (۱۱) هم بر می‌آید، تمامی فرضیات بالا پذیرفته می‌شود. پذیرفته شدن m برابر با صفر به این معناست که کارایی فنی دامداران شیراز دارای توزیع نیمه نرمال می‌باشد. از سوی دیگر پذیرفتن این فرض که g هم با یک و هم با دو درجه آزادی برابر صفر است، نشان‌دهنده ترجیح داشتن روش حداقل مربعات بر روش حداکثر درست‌نمایی می‌باشد. بنابراین عواملی که از کنترل دامدار خارج هستند، باعث پیدایش تفاوت تولید میان دامداران نمونه مورد بررسی شده‌اند. در اینحالت تفاوت معنی‌داری میان کارایی فنی دامداران وجود نداشته، ضمن اینکه مقدار کارایی فنی بهره‌برداران نمونه قابل اندازه‌گیری نیست.

پیشنهادهای:

هرچند که کارایی فنی واحدهای دامداری مورد بررسی شیراز قابل اندازه‌گیری نیست، اما نتایج بدست آمده از این تحقیق نکاتی را در راستای شناخت وضعیت دامداریهای این شهرستان روشن می‌سازد که می‌توان با استفاده از آنها پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

(۱) اکثر واحدهای بهره‌برداری، دامداریهای سنتی و غیر صنعتی هستند که در کنار زراعت به نگهداری و پرورش تعداد محدودی دام نیز اقدام کرده‌اند. بنابراین بجز تعداد انگشت شماری از واحدها، سایرین از تکنولوژی





نوبین و علمی دامداری و شیردوشی امروز بهره‌ای ندارند. بنابراین تغییر سطح تکنولوژی و سرمایه‌گذاری در این زمینه بمنظور ارتقا تولید، امری ضروری بنظر می‌رسد.

(۲) همانگونه که مشخص شد، بجز نهاده وزن گاو شیری، استفاده از هیچکدام از نهاده‌ها در ناحیه اقتصادی تولید نمی‌باشد. بنابراین ترویج روش و میزان صحیح تغلیف و تغذیه و همچنین آموزش و ترویج رعایت نکات بهداشتی بمنظور کاهش تلفات واحد، در بهبود وضع کنونی واحدها موثر خواهد بود.

(۳) تخصیصی کردن دامپروری در مزارع در مقابل تنوع فعالیت‌های کشاورزان، از عوامل مهمی است که باعث تمرکز مدیریت واحد روی مسائل دامی شده، سودآوری واحد و تولید در وضعیت مناسبتر را ممکن می‌سازد.

(۴) تخصیصی کردن، تمرکز روی یک رشته فعالیت و استفاده از روشها و تکنولوژی پیشرفته و درعین حال مناسب وضعیت فعلی بهره‌برداران، نیاز به سرمایه‌گذاری و تامین امنیت مالی دامداران در برابر خطرها و ریسک‌های موجود بر سر این راه دارد که سرمایه‌گذاری و مشارکت بانکها و موسسات تخصصی را می‌طلبد.

(۵) معنی دار شدن متغیر میزان تحصيلات در اکثر توابع برآورد شده و وجود رابطه مستقیم آن با میزان شیر تولید شده، کمبود آگاهی و سواد دامپروری در واحدها را نمایان می‌سازد. لذا برقراری دوره‌های آموزشی و استفاده از افراد با مهارت‌های بالا در این زمینه امکان بهبود شرایط و استفاده از روشهای نوین را ممکن خواهد کرد.

منابع مورد استفاده:

(۱) ابریشمی، ج. ۱۳۷۸. مبانی اقتصاد سنجی جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

(۲) بخشوده، م. ۱۳۶۷. بررسی اقتصادی پراکندگی اراضی کشاورزی در استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

(۳) ترکمانی، ج. ۱۳۷۹. تحلیل اقتصادی تولید، کارایی فنی و بازاریابی زعفران ایران، علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، جلد چهارم، شماره سوم، ۲۹-۴۴.

(۴) ترکمانی، ج. ۱۳۷۹. مقایسه و ارزیابی روشهای عمده تعیین گرایش به ریسک بهره‌برداران کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ۳۱: ۳۱-۵۵.

(۵) ترکمانی، ج. ۱۳۷۷. مقایسه و ارزیابی الگوهای عمده تعیین کارایی اقتصادی: کاربرد روش برنامه‌ریزی انتظاری مستقیم (DEMP). فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ۲۳: ۴۱-۷۳.

(۶) حسن پور، ب. و ج. ترکمانی، ۱۳۷۹. تعیین کارایی

فنی انجیرکاران استان فارس: کاربرد توابع تولید متعالی مرزی تصادفی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ۳۰: ۱۷۱-۱۹۸.

(۷) خوش اخلاق، ر. و م. کیانی، ۱۳۷۸. بررسی عوامل موثر بر تولید ماهیان سردابی استان چهارمحال و بختیاری، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ۲۸: ۱۰۹-۱۲۳.

(۸) رحمانی، ر. ۱۳۸۰. کارایی فنی گندمکاران و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ۳۳: ۱۶۱-۱۸۳.

(۹) زیبایی، م. ۱۳۷۵. بررسی تاثیر مجموعه سیاستهای اتخاذ شده در فاصله سالهای ۶۹ تا ۷۲ بر کارایی فنی واحدهای تولید شیر استان فارس، مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشکده کشاورزی زابل، ۲۸۸-۳۰۲.

(۱۰) زیبایی، م. و غ. سلطانی، ۱۳۷۴. روشهای مختلف تخمین تابع تولید مرزی و کارایی فنی واحدهای تولید شیر، مجله برنامه و توسعه، شماره ۱۱، ۷۳-۹۴.

(۱۱) محمدی، ج. ۱۳۷۷. تحلیل اقتصادی واحدهای پروریندی در استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

(۱۲) نجفی، ب. و م. زیبایی، ۱۳۷۳. بررسی کارایی گندمکاران فارس: مطالعه موردی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ۷: ۷۱-۸۶.

(۱۳) هژبر کیانی، ک. و غ. امینی، ۱۳۷۵. شاخص دیویژیا و کاربرد آن در تابع تولید: بررسی مقدار مصرف نهاده کود در کشت گندم آبی در استان سمنان، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ۱۵: ۳۵-۵۸.

(۱۴) هژبر کیانی، ک. و م. صفاری پور اصفهانی، ۱۳۷۵. بررسی مصرف کود شیمیایی در کشت گندم دیم در استان اصفهان، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ۱۴: ۶۰-۷۶.

Boris, E. Bravo - Ureta, 1994, Efficiency in agricultural production: The case of peasant farmers in Eastern Paraguay, Agricultural Economics 10: 27-37.

16) Finn R. FQRSUND, 1980, A survey of frontier production functions and of their relationship to efficiency measurement, Journal of Econometrics 13: 5-25.

17) Timothy J. Dalton, William A. Masters and Kenneth A. FASTER, 1977, Production costs and input substitution in Zimbabwe smallholder agriculture, Agricultural Economics 17: 201-209.

نقد سیاست افزایش اشتغال در بخش کشاورزی ایران با تاکید بر برنامه چهارم توسعه

چکیده

صحت سیاست افزایش اشتغال در بخش کشاورزی ایران با توجه به گذار این بخش، نیروی کار مازاد غیر فصلی و کمبود فصلی، کم سواد و بیسواد نیروی کار، مشکلات جذب و به کارگیری موثر سرمایه در این بخش و ... باعث شده است که دچار تردید اساسی باشد. برای این منظور در مطالعه حاضر از طریق استادی - تحلیلی و بررسی منابع موجود نظیر: برنامه چشم انداز، برنامه چهارم توسعه، قانون اساسی و همچنین تجارب و سیاستهای ایجاد اشتغال، مقوله اشتغال کشور و بخش کشاورزی با تاکید بر برنامه چهارم توسعه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل بیانگر این است که با شرایط حاکم بر بخش و خصوصیات نیروی کار فعلی آن، پیگیری سیاست افزایش اشتغال، رشد و توسعه این بخش را دچار مشکل می سازد، در برنامه های توسعه کشور، کشاورزی در الویت دوم قرار دارد، نیروی کار کنونی این بخش مانع سرمایه گذاری و رشد این بخش است، توسعه مبتنی بر دانایی، راهبرد سه جانبه گرایی و برنامه توسعه کار شایسته در کشاورزی ایران جایگاهی ندارند و ... بر اساس نتایج حاصله ضرورت تعریف سیاستهای جدید اشتغال برای بخش کشاورزی به شکل کاهش نیروی کار و جایگزینی آن و تعریف سیاستهای بازار کار کشاورزی، خروج سیاستهای توسعه کشاورزی از سایه سیاستهای توسعه دیگر بخشها، اصلاح اصول ۴۳ و ۸۱ قانون اساسی و ... مورد تاکید قرار می گیرد.

کلمات کلیدی: کشاورزی، اشتغال، برنامه چهارم توسعه، قانون اساسی، سند چشم انداز

مقدمه و بیان مسئله

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، بخش کشاورزی نقش مهمی در تولید غذا، ایجاد اشتغال و مبادلات تجاری دارد. اگر در آغاز دوران صنعتی شدن و بر اساس تئوریهایی اولیه توسعه، بخش کشاورزی به عنوان پله ارتقاء و قربانی رشد اقتصادی بخش صنعت شناخته شده بود، این نگاه در شرایط کنونی در بسیاری از کشورها جایگاه خود را به رشد و توسعه هماهنگ تمامی بخشهای اقتصادی بدون هیچگونه تبعیض خاصی داده است. چنین شرایطی در ایران نیز تا حدود زیادی وجود داشته و با شروع صنعتی شدن کشور، توجه سیاستگذاران و سیاستمداران به بخش صنعت بیشتر از بخش کشاورزی شد. اکثر سرمایه ها و

سرمایه گذاری ها از بخش کشاورزی به سمت بخش صنعت انتقال یافت و بخش کشاورزی از جریان توسعه بازماند. آثار این عقب ماندگی به سرعت به صورت کاهش درآمدهای کشاورزی، مهاجرت به سمت شهرها و تراکم نیروی کار در مناطق شهری آشکار شد. در طرف مقابل رشد تقاضای کار بخش شهری (صنعت و خدمات)، پاسخگوی رشد عرضه نیروی کار مهاجر روستایی (کشاورزی) نبوده و بدین ترتیب معضلی سترگ به نام بیکاری بالا (دو رقمی) اقتصاد ایران را در بر گرفت. در چنین شرایطی بود که تعریف جدیدی از جایگاه بخشهای اقتصادی کشور صورت پذیرفت و در طول برنامه های توسعه (بویژه برنامه دوم)، محوریت بخش کشاورزی به عنوان یکی از اهداف اقتصاد کشور مورد تاکید

۱. دکتری اقتصاد کشاورزی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
kohsark@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
andisheh1373@yahoo.com



قرلرگرفت

سهام قابل توجه بخش کشاورزی در رشد اقتصادی کشور علیرغم کاهش سهم آن از موجودی سرمایه در مقایسه با بخشهای دیگر، باعث شده که بسیاری از سیاستگذاران بر این باور باشند که این بخش می تواند محل مناسبی برای ایجاد اشتغال باشد. این در حالی است که در برهه زمانی کنونی سیاست گسترش فعالیتهای کاربر در بخش کشاورزی، در تمامی دنیا سیاست مطرودی است. با این وجود در ایران، همچنان تلاشها و سیاست ها بر افزایش اشتغال در این بخش متمرکز شده است. پرسشهای زیادی در خصوص اهداف اشتغالزایی و رشد و توسعه کشاورزی وجود دارد که پاسخ دقیقی بدانها داده نشده است: آیا سیاست افزایش اشتغال در بخش کشاورزی با توجه به کمبود سرمایه و عدم پیشرفت های لازم در این بخش، سیاست مناسبی است؟ آیا بخش کشاورزی موظف به ایجاد اشتغال برای نیروی انسانی جویبار کار شهری و روستایی است؟ آیا آنچه سیاستگذاران در زمینه اشتغال از کشاورزی انتظار دارند با پتانسیل های موجود در این بخش هماهنگ است؟ اولویت سیاستها و برنامه ها در کشاورزی، ایجاد اشتغال است یا رشد و توسعه اقتصادی آن؟ ایجاد اشتغال به سبک کنونی در بخش کشاورزی تا چه اندازه می تواند بر کاهش فقر و افزایش رفاه، کاهش مهاجرت روستایی و ... موثر باشد؟ اگر بیشتر تمرکز سیاست های اقتصادی کشور بر ایجاد اشتغال بوده و چنین سیاستی نیز در بخش به مرحله اجرا در آید، آیا شکوفایی اقتصادی بخش را باعث می شود و یا با اجرای این سیاست، شکوفایی اقتصادی آن را فدای ایجاد اشتغال خواهیم کرد؟ تزریق سرمایه به بخش کشاورزی چه تاثیری روی رشد اقتصادی و افزایش اشتغال این بخش خواهد داشت؟

در این مطالعه برآنیم تا از طریق بررسی تجارب کشورهای دیگر، نتایج مطالعات پژوهشی، برنامه های توسعه اقتصادی و سند چشم انداز کشور، در راستای پرسشهای فوق با تکیه بر برنامه چهارم توسعه، سازگاری و ناسازگاری هدف افزایش اشتغال و دیگر اهداف اقتصادی بخش کشاورزی را مورد بررسی قرار دهیم.

مواد و روشها

این مطالعه، به صورت اسنادی بوده که در آن با استفاده از منابع موجود نظیر: برنامه چشم انداز، برنامه چهارم توسعه، قانون اساسی و ... مقوله اشتغال کشور و بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته است. مروری بر سیاستها و برنامه های ایجاد اشتغال در دیگر کشورها مطالعه را تکمیل خواهد کرد. ارائه پیشنهادات سیاستی برای ایجاد اشتغال در کشور و رفع معضل بیکاری جامعه با توجه به بخش کشاورزی و سیاستهای رشد و توسعه این بخش پایان بخش موضوع خواهد بود.

مطالعات قبلی

بیدآباد (۱۳۸۳) در مطالعه «ارتباطات بین بخشی و هدفگذاری افزایش اشتغال کشور» نتیجه می گیرد که بخش کشاورزی پس از بخش خدمات موسسات مالی، بانک و بیمه می تواند در ایجاد اشتغال جدید در کشور بیشترین اثر را داشته باشد. برای رفع تنگنای بیکاری باید تقاضای نهایی این بخش را افزایش داد. برای ایجاد یک میلیون شغل جدید تقاضای نهایی بخش کشاورزی باید به میزان ۲۰ هزار میلیارد ریال یا ۱۶٪ افزایش یابد. چنانچه صادرات کالاهای کشاورزی حدود ۲/۳ میلیارد دلار افزایش یابد، یک میلیون شغل جدید در اقتصاد کشور ایجاد می شود.

کشاورز حداد (۱۳۸۳) در مطالعه «ارزیابی پتانسیل های

مهدوی و عزیز محمدلو (۱۳۸۳) در مقاله «سرمایه گذاری مستقیم خارجی و اشتغال در کشورهای در حال توسعه» تأثیر مثبت و معنی دار سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال کشورهای میزبان را تأیید کرده و نشان داده اند که میزان اثرگذاری FDI بر اشتغال کشور میزبان در نتیجه تعامل دو عامل میزان توسعه یافتگی و آمادگی کشور برای جذب سرمایه گذاریها و انتقال و استقرار فن آوری نوین از یک طرف و اهمیت و سهم منابع مالی خارجی در تأمین نیازهای مالی کشورهای میزبان از طرف دیگر تعیین می گردد.

زاهدی مازندرانی (۱۳۸۳) در مقاله «ضرورت های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی» مجموعه متغیرهای موثر در فرآیند اشتغال کشاورزی را در قالب چهار حوزه به شرح ذیل مورد بررسی قرار داده است:

۱. حوزه ساختار و عوامل طبیعی مرتبط با فعالیتهای اقتصادی در کشاورزی ۲. حوزه ساختار اجرایی و مدیریتی مشتمل بر مقررات حقوقی، مهارتهای نیروی انسانی و روابط نیروی کار ۳. حوزه اجتماعی مشتمل بر جمعیت روستایی و شرایط زندگی و کار در کشاورزی ۴. حوزه فرهنگی شامل نگرش مردم به فعالیتهای کشاورزی.

کمیجانی و قویدل (۱۳۸۵) در مطالعه ای با عنوان «نقش آزادسازی تجاری بر بازار کار و اشتغال و برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران» نشان می دهند که تابع تقاضای نیروی کار ایران در بلند مدت هیچ گونه تأثیری از آزاد سازی تجاری در دوره مورد بررسی (۱۳۵۰-۱۳۸۳) نپذیرفته است. اما در کوتاه مدت تابع تقاضای نیروی کار، در بیشتر حالتها تأثیر مثبت از درجه باز بودن اقتصاد گرفته و اثر آزادسازی به گونه ای است که نقش آن در اشتغال نیروی کار ماهر بیشتر از نیروی کار غیر ماهر است.

صادقی و همایونی فر (۱۳۸۰) در مقاله «نقش کشاورزی در تأمین اشتغال و کاهش بیکاری» ضمن اشاره به کاهش سهم اشتغال بخش کشاورزی و بهبود بهره وری آن با استفاده از مدل تقاضای تجربی نیروی کار نتیجه می گیرند که کشش اشتغال نسبت به افزایش سطح زیرکشت در مقایسه با متغیرهای سرمایه گذاری و ارزش افزوده از اهمیت بیشتری برخوردار است.

جایگاه اشتغال کشاورزی

متناسب با افزایش جمعیت کشور در طی سالهای ۸۰-۱۳۴۵، شاخصهای مرتبط با جمعیت و اشتغال نیز تغییرات گسترده ای پیدا کرده است (۱). تعداد بیکاران و سهم بیکاری در دوره مزبور علیرغم نوسانات چشمگیر از رشد مثبتی برخوردار بوده اند. نسبت میزان فعالیت (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت) از ۴۶/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۳۶/۹ درصد در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته است.

اشتغال زایی بخش های مختلف اقتصاد ایران» نتیجه می گیرد که بر اساس پیوند پیشین، بخش های خدماتی مذهبی و اجتماعی، زراعت، خدمات کسب و کار، سایر خدمات آموزش عمومی، بخش های با پیوند پیشین کمتر از نظر هزینه لازم برای ایجاد هر فرصت شغلی تمام وقت، بیشترین افزایش تقاضای نهایی را نیاز دارند.

خلیلی عراقی و سوری (۱۳۸۴) در مقاله «اشتغال در بخش های تولیدی و نقش عوامل طرف تقاضا» نتیجه می گیرند که طی دوره مورد ۷۵-۱۳۶۵ رشد اشتغال در کشور حدود ۳/۰۱ درصد در سال بوده که اثر گسترش بازار داخلی برای محصولات نهایی ۱/۵ درصد، اثر گسترش صادرات ۰/۱۸ درصد، اثر جانشینی واردات ۱/۴۷ درصد، اثر تغییر تکنولوژی ۰/۵۳ درصد و همچنین تأثیر بهره وری بر رشد اشتغال حدود ۰/۶۸- درصد بوده است.

نظری و گوهریان (۱۳۸۱) در مطالعه ای با عنوان «بررسی اثر متغیرهای سیاست پولی بر اشتغال به تفکیک بخشهای عمده اقتصادی در ایران (۷۸-۱۳۴۵)» نشان داده اند که تغییر عرضه پول از طریق تغییر حجم نقدینگی و پرداختی به بخش غیردولتی با تغییر اشتغال در بخشهای تولیدی، دارای رابطه مستقیم می باشد؛ افزایش اعتبارات پرداختی به بخش غیر دولتی باعث افزایش اشتغال در بخشهای تولیدی می گردد و مطالبات سیستم بانکی از بخش دولتی با اشتغال کل، اشتغال کشاورزی و بخش صنعت رابطه معکوس و با اشتغال خدمات رابطه مستقیم دارد.

تقوی و رضایی (۱۳۸۳) در مطالعه «بررسی سیاستهای مالی بر مصرف و اشتغال در اقتصاد ایران» نتیجه می گیرند که در اثر شوک مثبت مخارج دولت، مصرف و اشتغال هر دو افزایش و در اثر شوک منفی مالیاتی (افزایش مالیاتها)، مصرف کاهش و اشتغال بی تفاوت خواهد بود.

بالالی و خلیلیان (۱۳۸۲) در مطالعه «تأثیر سرمایه گذاری بر اشتغالزایی و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی ایران» بر اساس «رهیافت تقاضای نیروی کار» رابطه مثبت بین سرمایه گذاری و رشد اقتصادی بخش با اشتغال و رابطه معکوس بین دستمزد اشتغال کشاورزی را تأیید کردند.

رضوی و مشرفی (۱۳۸۳) در مقاله «تحلیل دینامیکی اشتغال در اقتصاد ایران (بررسی مورد قانون اکان)» ضمن اشاره به سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به عنوان سالهای اوج بیکاری با ثبات شرایط اقتصادی کشور، هر ۲/۵ درصد نرخ رشد اقتصادی بالاتر از «نرخ بالقوه اقتصاد» کشور را باعث کاهش ۲/۸ درصد بیکاری می دانند.

کریمی پتانلار (۱۳۸۳) در مقاله «خصوصی سازی، اندازه دولت و اشتغال در جمهوری اسلامی ایران» نشان داده شده است که خصوصی سازی به شیوه واگذاری از طریق بورس می تواند در افزایش اشتغال موثر باشد.

جدول (۱). وضعیت اشتغال در ایران در طی سالهای ۸۵-۱۳۴۵ (هزار نفر - درصد)

سال	جمعیت فعال	تعداد شاغلین	تعداد بیکاران	سهم بیکاری	نسبت میزان فعالیت
۱۳۴۵	۷۸۴۲	۷۱۱۶	۷۲۶	۹	۴۶/۱
۱۳۵۵	۹۷۹۶	۸۷۹۹	۹۹۷	۱۰/۲	۴۲/۶
۱۳۶۵	۱۲۸۲۰	۱۱۰۰۲	۱۸۱۹	۱۴/۲	۳۸/۹
۱۳۷۰	۱۴۷۳۷	۱۳۰۹۷	۱۶۴۰	۱۱/۱	۳۸/۱
۱۳۷۵	۱۶۰۲۷	۱۴۵۷۲	۱۴۵۵	۹/۱	۳۵/۳
۱۳۸۰	۱۹۱۳۹	۱۵۹۵۷	۳۱۸۲	۱۴/۲	۳۶/۹

ماخذ: مرکز آمار ایران

توسعه بهره وری



بررسی ترکیب اشتغال کشور در طی سالهای مزبور حاکی از کاهش سهم اشتغال کشاورزی و افزایش سهم اشتغال بخشهای صنعت و خدمات می باشد (جدول ۲-). سهم اشتغال بخش کشاورزی همواره کاهنده و سهم

جدول (۲). ترکیب اشتغال در طی سالهای ۸۵-۱۳۴۰ (درصد)

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۴۵-۱۳۸۳
کشاورزی	۵۶	۴۸	۲۹	۲۵	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۲۰	۳۰
صنعت	۲۰	۱۷	۲۵	۲۸	۳۱	۳۲	۳۲	۳۳	۳۲	۲۸
خدمات	۲۳	۲۴	۴۲	۴۴	۴۶	۴۷	۴۷	۴۷	۴۸	۴۰

ماخذ: دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۶). «برنامه اقتصاد بدون اتکاب درآمدهای حاصل از نفت خام (بهره وری، اشتغال و جمعیت)

تحلیل موضوع سیاستهای اشتغال

سیاستهای اشتغال را می توان به چهار دسته تقسیم کرد (زوجی، ۱۳۸۵):

الف. سیاستهای فعال بازار کار: این سیاستها به طور مستقیم یا غیر مستقیم، زمینه های لازم را برای ایجاد تعادل در بازار کار فراهم می سازند. این گروه از سیاستها در برگیرنده مکانیسم جستجوی شغل، آموزش بیکاران، ایجاد شغل به طور مستقیم یا از طریق پرداخت یارانه است (طرحهای خود اشتغالی). این سیاستها معمولا کیفیت عرضه و تقاضای کار را تحت تاثیر قرار می دهند. عناصر اصلی سیاستهای فعال بازار عبارتند از:

۱- ایجاد تحرک در عرضه نیروی با ایجاد شغل، پرداخت یارانه به دستمزدها و غیره
۲- توسعه اشتغال با ایجاد مهارت های جدید و با روشهای مختلف مانند آموزشهای مجدد
۳- افزایش کارایی بازار کار با ارائه خدمات به نیروی کار مانند مشاوره، کمک در انطباق شغل با مهارت های نیروی کار

ب. سیاستهای تنظیمی بازار کار: این سیاستها باعث انعطاف پذیری بیشتر بازار کار شده و بر جریان ورود و خروج نیروی کار ناشی از تنظیم قوانین و مقررات موثر خواهند بود. این سیاستها، به موضوعاتی همچون چگونگی حفظ اشتغال، تغییر زمان کار از طریق توجه به کار موقت و کار پاره وقت، نحوه تعیین دستمزد، حداقل دستمزد و باز نشستگی زود هنگام می پردازد.

ج. سیاستهای کلان اقتصادی موثر بر بازار کار: این سیاستها از طریق مکانیسمهای پولی و مالی و در نتیجه گسترش رشد و تولید اقتصادی (افزایش تقاضای کل) برای نیروی کار، تقاضا خلق می کنند.

د. سیاستهای منفعل و حمایتی بازار کار: این سیاستها موضوعاتی همچون حمایت های مالی از بیکاران، اصلاح سیستم مقرری بیکاری، پرداخت یارانه به دستمزد پایین، معافیت های مالیاتی، کاهش مالیات بر دستمزدها، کمک به افراد با دستمزد پایین جهت افزایش رفاه و تامین حداقل زندگی را شامل می شود.

بدین ترتیب از لحاظ زمانی «سیاست های کلان» برای دوره زمانی بلند مدت، «سیاست های فعال» برای دوره

عدم تعادل در بازار کار را معمولا از طریق سیاستهای مالی و پولی رفع می کنند. در ایران به دلیل انزوای بالای بخش کشاورزی و مناطق روستایی از حوزه تاثیرات این سیاستهای، رفع مشکل بیکاری روستایی و ایجاد تعادل در بازار کار آن، بسیار مشکل است.

بازار کار ایران در دهه ۱۳۸۰ بر خلاف دهه های گذشته ۳ ویژگی منحصر دارد:

۱- تغییر کیفیت نیروی کار به دلیل ورود فارغ التحصیلان دانشگاهی به این بازار.
۲- تغییر ساختار و ترکیب جنسیتی بازار کار در اثر افزایش سهم عرضه نیروی کار زنان.
۳- تاکید بر افزایش بهره وری نیروی کار از سوی برنامه ریزان.

ایران در دهه ۱۳۸۰ از یک سو با رشد عرضه نیروی کار (۳ درصد) روبرو است و از سوی دیگر برای تبدیل نرخ بیکاری به صورت یک رقمی (هدف برنامه)، رشد تقاضای نیروی کار در این دهه نباید کمتر از ۳/۵ درصد باشد.

بازار کار کشاورزی به دلیل فصلی بودن فعالیتهای کشاورزی (بجز تولیدات محدود گلخانه ای) با بازار کار بخشهای خدمات و صنعت و معدن تفاوت اساسی دارد. به عبارتی دیگر، تقاضای کار در بخش کشاورزی محدود به زمانهایی از سال است. مناطق روستایی در برخی از مراحل کشاورزی با کمبود نیروی کار و پس از آن با مازاد نیروی کار گسترده روبرو هستند. پس به طور قطع نمی توان در مورد اشتغال کامل یا بیکاری بالا در این مناطق نظر داد. علاوه بر این فصلی بودن فعالیت کشاورزی باعث می شود که اشتغال آن همانند دیگر بخشهای اقتصادی سالانه نبوده و انگیزه لازم برای حضور در آن بالا نباشد.

در سند چشم انداز به صراحت در توصیف موقعیت ایران در سال ۱۴۰۴ آمده است: «دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی یا تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل». در این سند، آرمانهای بزرگی وجود دارد. اما باید دانست که در زمینه اقتصادی با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد ایران از جمله اقتصاد بخش کشاورزی (مازاد نیروی کار فاقد خصیصه توسعه گرایی) تحقق همزمان دو هدف «رشد پرشتاب و مستمر اقتصاد» و «ایجاد اشتغال کامل» سازگار نخواهد بود.

توسعه
بهره وری



کوتاه مدت و میان مدت، «سیاست های تنظیمی» برای دوره میان مدت و بلندمدت و «سیاست های حمایتی» برای دوره کوتاه مدت و میان مدت قابل اجرا خواهد بود.

برنامه ها و سیاستهای ایجاد اشتغال

الف. ایران: بررسی سیاستهای اشتغال ایران در طول برنامه اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، بیانگر جایگاه متفاوت توسعه اشتغال و کاهش بیکاری و سیاستهای اتخاذ شده برای اهداف مورد نظر است^۱:

برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸): اهداف اشتغال در این برنامه مبتنی بر سه محور کاهش بیکاری پنهان و فصلی، افزایش بهره وری سرانه نیروی کار و افزایش نسبت کارکنان مشاغل علمی و فنی و تخصصی به کل شاغلین بوده است. سیاستهای مرتبط با اشتغال این برنامه در تبصره های ۱۲، ۲۴ و ۲۶ آن آمده است. رویکرد حاکم در تولید به جای کاربری، سرمایه بری و ابزارسالی بوده است:

۱ - اتخاذ سیاست های مربوط به توسعه سرمایه گذاری بخش غیردولتی و فرصت های شغلی شامل سیاست های مالی، پولی و مالیاتی، هدایت سرمایه های خارجی، حمایت از صنایع کوچک، اولویت دادن به طرح های آب و کشاورزی.

۲ - سیاست های مربوط به استفاده از تکنولوژی مناسب با توجه به شرایط بازار کار.

۳ - اتخاذ سیاست های تعیین دستمزد و بهره وری شامل متناسب سازی مزد و حقوق با بهره وری نیروی کار و سیاست های تشویقی و انگیزشی برای جذب متخصصین درنواحی محروم.

۴ - سیاست های آموزشی مرتبط با بازار کار گسترش آموزش های فنی و حرفه ای حین خدمت و آموزش مدیران و ...

۵ - اعمال سیاست های تجاری

۶ - سیاست ایجاد اشتغال در خارج از کشور و گسترش همکاری های فنی و مبادله نیروی کار
۷ - اصلاح قوانین و مقررات در جهت تشویق سرمایه گذاری خصوصی و توسعه بازار کار.

برنامه دوم توسعه (۸۷-۱۳۷۳): سیاست های اشتغال زایی به شرح ذیل مورد توجه بوده است:

۱ - توسعه سرمایه گذاری فرصت های شغلی از طریق فراهم نمودن شرایط کارآفرینی، اتخاذ سیاست های مالی، حمایت از صنایع کوچک و اعمال حمایت های قانونی از تسهیلات لازم و ارزان قیمت برای اشتغال جوانان.

۲ - اصلاح ساختار اشتغال (تشویق سرمایه گذاران به استفاده هرچه بیشتر کارکنان ایرانی و توزیع مجدد نیروی کار شاغل بین دستگاه ها و شرکت های غیردولتی).

۳ - آموزش در زمینه های مناسب شغلی از طریق گسترش مراکز فنی و حرفه ای.

۴ - تقویت شبکه پردازش اطلاعات بازار کار و انجام پژوهش های مربوط به حرکات بازار، طبقه بندی و استاندارد مهارت و ایجاد ارتباط بین آموزش و نیازهای کمی و کیفی بازار کار.

۵ - تأمین مشاغل مولد برای نیروی کار مازاد عشایر و کمک به استمرار فعالیت های غیرکشاورزی در محیط روستایی.

برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹): در این برنامه با اختصاص فصل ششم به سیاست های اشتغال، توجه خاصی به مقوله «اشتغال و کاهش بیکاری» شده است:

۱ - سیاست های گسترش سرمایه گذاری و فرصت های شغلی شامل:

- اعطای تسهیلات ارزان برای سرمایه گذاری اشتغال زا به منظور حمایت از طرح های اشتغال زا و صنایع کوچک و اشتغالزا.

- معافیت از حقوق و عوارض دولتی برای سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته.

- پرداخت تسهیلات بانکی از محل بخشی از سپرده های قانونی بانک ها به طرح های اشتغال زا بخش های مختلف اقتصادی.

- پرداخت تسهیلات قرض الحسنه و ارزان قیمت به بنگاه های کوچک اشتغالزا.

- حمایت دولت از سرمایه گذاری های خصوصی در منطبق

- استفاده از منابع حساب ذخیره ارزی برای طرح های



سرمایه گذاری خصوصی.

- مشارکت دولت در ایجاد صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی و توسعه صنایع کوچک.

- منطقی نمودن هزینه های برق، گاز، تلفن، آب و فاضلاب و نیز متناسب نمودن نرخ های ترجیحی در جهت حمایت از تولید.

۲ - کاهش هزینه های نیروی کار به شکل تخفیف در میزان حق بیمه سهم کارفرما و کاهش مالیات کارفرمایان.

۳ - سیاست های آموزشی شامل: پرداخت یارانه سود تسهیلات ایجاد آموزشگاه های آزاد فنی و حرفه ای و اطلاع رسانی.

۴ - سیاست اعزام نیروی کار از طریق ایجاد اشتغال در خارج و اعزام نیروی کار به خارج.

۵ - سیاست جایگزینی نیروی کار

۶ - سیاست های مربوط به اصلاح نهادها و قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار

ب. کشورهای منتخب: سیاست های اشتغالزایی در هر کشوری با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد آن، متفاوت از دیگر کشورهاست (جدول ۳-).

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به: ازوجی (۱۳۸۶)

جدول (۳). سیاست‌های ایجاد اشتغال در کشورهای دیگر

سیاست‌ها	کشور
۱- تنظیم سیاست‌های کلان اقتصادی (رشد بالا و بدون تورم). ۲- ارتقاء مهارت مبتنی بر فناوری. ۳- افزایش انعطاف پذیری دستمزدها. ۴- بهبود محیط کسب و کار. ۵- بهبود کارایی نیروی کار. ۶- توسعه رقابت در بازار کار	کشورهای OECD
۱- ایجاد اشتغال کافی در کوتاهمدت. ۲- افزایش مهارت نیروی کار. ۳- تمرکز بر بخش‌های اقتصادی دارای ارزش افزوده بالا در بلندمدت	آفریقای جنوبی
۱- استقرار سیستم سازمانی در روابط صنعتی ۲- توجه بر نقش کارآفرینی	سنگاپور، مالزی
۱- تغییر سیاست توسعه از گسترش صنایع بزرگ به سمت صنایع کوچک و متوسط. ۲- شناسایی نوع بیکاری و به کارگیری برنامه های موثر فعال یا منفعل بازار کار ۳- پرداخت منافع بیکاری برای جلوگیری از رکود اقتصاد و کاهش رفاه نیروی کار. ۴- ایجاد مشاغل کوچک و پرداخت یارانه به دستمزدها برای حفظ اشتغال. ۵- ایجاد زمینه های انعطاف پذیری بازار کار و افزایش رقابت بین تعاونی ها به منظور افزایش رشد اقتصادی. ۶- اجرای برنامه های اجتماعی: آموزش، بازآموزی و... برای خنثی کردن آثار منفی انعطاف پذیری بازار کار (افزایش بیکاری). ۷- پایین نگه داشتن هزینه سرمایه گذاری (ترخ بهره) از طریق ایجاد ثبات اقتصادی، تامین رشد اقتصادی، اصلاحات ساختاری مالیاتی، آزادسازی مالی، رفع موانع تجاری، دسترسی به بازارهای خارجی. ۸- افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI). ۹- استفاده از نیروی کار متخصص دارای سطح علمی بالا. ۱۰- توسعه همکاری بین دانشگاه و صنعت.	کره جنوبی
۱- کاراییی توسط مدارس و موسسات آموزشی ۲- ارائه خدمات مشاوره و کمک مالی به کارفرمایان برای آموزش، نگهداری افراد مسن و جذب نیروی کار جوان. ۳- ارزیابی عرضه و تقاضای نیروی کار توسط وزارت کار از طریق برنامه ۵ ساله ای به نام برنامه آموزش حرفه ای. ۴- تعیین حقوق کارکنان دولتی با توجه به شرایط حاکم بر بخش خصوصی.	ژاپن
۱- پرداخت یارانه به دستمزدها جهت ایجاد مشاغل موقت برای مبارزه با بیکاری. ۲- توجه اساسی به بیکاران بلندمدت به منظور کاهش آنها. ۳- توسعه برنامه های آموزشی دوره های زبان، کامپیوتر، آموزش فنی و حرفه ای و سایر دوره ها جهت فرصتهای شغلی خاص.	سوئیس
۱- پرداخت بیمه و حق و بیکاری ۲- اولویت بندی اجرای برنامه بازار کار بر حسب تخصیص بودجه	چک
۱- به کارگیری سیاستهای آموزشی، تربیتی، رفاهی و مالیاتی ۲- پرداخت یارانه به کارفرمایان	ایرلند

مآخذ: ۱) (ازوجی، ۱۳۸۶). ۲) موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲). عوامل ضد اشتغال

چون محدودیت زمین زیر کشت، امری آشکار است، لذا تنها راه باقیمانده، افزایش سرمایه است. اما از یک سو می دانیم که جذب و هدایت سرمایه به سمت تولید در این بخش با موانع متعددی روبرو است و از سوی دیگر با تزریق بیشتر سرمایه به شکل ماشین آلات و ابزارهای تولید به بخش کشاورزی، منجر به جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار خواهد شد و هدف اولیه (افزایش اشتغال) را نقض خواهد کرد. بر این اساس می توان گفت سیاست افزایش اشتغالی که موثر بر رشد اقتصادی بخش کشاورزی باشد، با چنین شرایطی با توفیق همراه نخواهد بود.

بخش کشاورزی و اجبار ایجاد اشتغال در ایران

عدم توجه به جایگاه واقعی بخشها بویژه بخش کشاورزی (دوران گذار) در مسیر توسعه از یک سو و عدم وقوف برنامه ریزان و قانون گذاران کشور از سوی دیگر باعث شده است که در فرآیند ایجاد اشتغال کشور به بخش کشاورزی که خود با مازاد نیروی کار و کیفیت ضعیف آن روبرو است همانند بخشهای صنعت و خدمات که خصلت گسترش و انبساطی دارند توجه شود. در ۴ برنامه توسعه بعد از انقلاب، سهم بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال جدید معین شده است (به عنوان مثال در برنامه اول حدود ۵۰۰ هزار شغل). این در حالی است که خصلت دوران گذار و حرکت از تولید سنتی و معیشتی به سمت تولید مدرن و تجاری در کشاورزی، نیازمند تزریق تکنولوژی جدید (اکثراً سرمایه بر)، به کارگیری نیروی کار تحصیلکرده و کاهش

بخش کشاورزی و جذب سرمایه گذاری

بخش کشاورزی ایران به دلیل عدم حضور نیروی کار متخصص، جوان و تحصیلکرده از یک سو و ریسک گریزی و انزوای اطلاعاتی، تکنولوژیکی و اقتصادی این بخش، پتانسیل جذب و به کارگیری سرمایه بالا را ندارد. تجارب سالیان گذشته این بخش نشان می دهد که بخش زیادی از سرمایه های پرداختی به این بخش به جای هدایت به سمت تولید کشاورزی، جنبه مصرفی پیدا کرده اند و یا اینکه از این بخش خارج شده و به سمت دیگر بخشهای اقتصادی رفته اند. علاوه بر این روند خروج سرمایه این بخش به سمت خدمات و صنعت نیز گویای ناتوانی آن در جذب سرمایه بیشتر می باشد. بر این اساس می توان گفت با تداوم حاکمیت چنین شرایطی بر کشاورزی، نه جذب و به کارگیری سرمایه در تولید قابل توجه می باشد و نه اتکای رشد اقتصادی آن بر گسترش سرمایه به عنوان نهاده مکمل نیروی کار، نتیجه بخش خواهد بود. رشد اقتصادی کشاورزی در ایران عملاً متکی بر شرایط اقلیمی بوده و نقش سرمایه زمانی آشکار خواهد شد که تحولات اساسی در ساختار نیروی کار این بخش بوجود آید.

سیاست افزایش اشتغال کشاورزی

بخش کشاورزی با مازاد نیروی کار (ماهر و غیر ماهر، بیسواد و کم سواد) روبروست و بر اساس مبانی اقتصاد تولید برای انتقال نیروی کار از ناحیه سوم به ناحیه دوم باید نهاده های دیگر یعنی زمین و سرمایه را افزایش داد.



اجباری مازاد نیروی کار می باشد. افزایش اشتغال در این بخش با وضعیت حاکم و بدون توجه به ضرورت توسعه این بخش و مناطق روستایی نمی تواند سیاست صحیح و نتیجه بخشی باشد.

عوامل موثر بر ایجاد اشتغال

اشتغال و بیکاری در یک جامعه متأثر از عوامل متعددی است. این عوامل در بخش کشاورزی می تواند تا حدودی متفاوت از دیگر بخشهای اقتصادی باشد. نتایج مطالعات متعدد انجام شده در خصوص اشتغال در اقتصاد ایران، تاثیر عوامل رشد اقتصادی (بیدآباد ۱۳۸۳، کشاورز حداد ۱۳۸۳، بلالی و خلیلیان ۱۳۸۲، رضوی و مشرفی ۱۳۸۳)، صادرات (بیدآباد ۱۳۸۳، خلیلی عراقی و سوری ۱۳۸۴)، آزادسازی اقتصاد (رمضان پور ۱۳۸۴، کمیجانی و قوبدل ۱۳۸۵)، افزایش تقاضای نهایی (خلیلی عراقی و سوری ۱۳۸۴، بیدآباد ۱۳۸۳، کشاورز حداد ۱۳۸۳)، سرمایه گذاری خارجی و داخلی (مهردی و محمدلو ۱۳۸۳، بلالی و خلیلیان ۱۳۸۲) و سطح زیرکشت (صادقی و همایونی فر ۱۳۸۰) را روی اشتغال ایران و بخش کشاورزی تایید کرده اند. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که توسعه اشتغال در بخش کشاورزی از طریق عوامل پیشین و پسین موثر بر آن، میسر بوده و بدون توجه به این عوامل، تحقق سیاست ایجاد اشتغال در کشاورزی همانند گذشته به موفقیت زیادی همرا نخواهد بود.

رشد کشاورزی با ایجاد اشتغال؟

بر اساس مبانی تئوریک، افزایش نیروی کار به عنوان یک عامل تولید می تواند باعث رشد اقتصادی شود. در مقابل رشد اقتصادی نیز به اشکال مختلف خصوصاً از طریق سرمایه گذاری اشتغال را افزایش خواهد داد (بیدآباد ۱۳۸۳، کشاورز حداد ۱۳۸۳، بلالی و خلیلیان ۱۳۸۲، رضوی و مشرفی ۱۳۸۳). با ترکیب فعلی نیروی کار کشاورزی، مشاهده تاثیر افزایش نیروی کار بر افزایش رشد کشاورزی در این بخش مقدور نیست و سیاست مناسب، باید رشد اقتصادی کل و بخش کشاورزی باشد. به عبارتی دیگر، اگر سیاست افزایش اشتغال در کشاورزی دنبال شود، می تواند رشد اقتصادی این بخش را دچار وقفه سازد. در حالیکه با تمرکز بر رشد اقتصادی کشور، می توان به افزایش اشتغال در این بخش کمک کرد.

نقد و بررسی اشتغال در برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴):

در این برنامه جایگاه اشتغال به صورت گسترده ای مورد توجه قرار گرفته است. بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخشهای اقتصادی کشور در امر ایجاد اشتغال و جذب نیروی کار نقش انکارناپذیری تا اکنون داشته است و بررسی روند گذشته این موضوع حاکی از کاهش نقش این بخش در ایجاد اشتغال در جامعه است. بررسی دقیق مواد مرتبط با بخش کشاورزی برنامه چهارم توسعه نشانگر واقعیتهای نهفته ای در این خصوص می باشد. حاکمیت اصل رشد سالاری از یک سو و افزایش بحران بیکاری کشور از سوی دیگر، باعث گردید که برنامه ریزان در برنامه چهارم توسعه توجه مبهمی به مقوله اشتغال و بیکاری کشاورزی داشته باشند. حتی در پاره ای از موارد، سیاستهای اتخاذ شده عملاً بیانگر وجود تضاد بین توسعه اشتغال و رشد اقتصادی بوده است. مهمترین مواد مرتبط با اشتغال برنامه چهارم توسعه عبارتند از:

بند (الف) ماده (۱۷) - افزایش بهره وری آب از طریق

اصلاح ساختار مصرف آب و استقرار نظام بهره برداری مناسب و با استفاده از روشهای نوین آبیاری و کم آبیاری، افزایش راندمان آبیاری و به تبع آن کارایی آب به ازای یک متر مکعب در طی برنامه به اندازه ۲۵ درصد و همچنین از طریق اختصاص به محصولات با ارزش اقتصادی بالا.

ماه (۱۸) - تهیه برنامه توسعه بخش کشاورزی و منابع طبیعی با محوریت خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی، تامین امنیت غذایی، اقتصادی نمودن تولید، توسعه صادرات محصولات کشاورزی، ارتقای رشد ارزش افزوده بخش حداقل به میزان رشد پیش بینی شده (۶/۵ درصد).

ماده (۲۷) - ارائه مجوز به دولت به منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری و اشتغال در سطح کشور (بویژه مناطق کمتر توسعه یافته) از طریق وجوه اداره شده، تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه گذاری در طرحهای اشتغالزایی و نیز قسمتی از سود کارمزد تسهیلات مذکور.

بند (د) ماده (۴۱) - بازنگری قانون و مقررات مربوط به نیروی کار با سازوکار سه جانبه گرایشی دولت - کارگر - کارفرما.

فصل چهارم - توسعه مبتنی بر دانایی
بند (د) ماده (۹۵) - طراحی برنامه های ویژه اشتغال، توانمندسازی جلب مشارکتهای اجتماعی، آموزش مهارتهای شغلی و مهارتهای زندگی بویژه برای جمعیت های سه دهک پایین درآمدی در کشور.

بند (ط) ماده (۹۵) - طراحی روشهای لازم برای افزایش بهره وری و درآمد روستائیان و عشایر، ایجاد فرصتهای اشتغال بویژه در دوره های زمانی خارج از فصول کاشت و برداشت با رویکرد مشارکت روستائیان و عشایر با حمایت از صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق اشتغال نیازمندان.

ماده (۱۰۱) - تهیه و ارائه برنامه ملی توسعه کار شایسته به عنوان گفتمان جدید عرصه کار و توسعه بر اساس راهبرد سه جانبه گرایشی (دولت - کارگر - کارفرما) به مجلس در سال اول برنامه توسط دولت که متضمن عزت نفس، برابری فرصتها، آزادی و امنیت نیروی کار و صیانت لازم باشد. کار شایسته مشتمل است بر محورهای:
۱) حقوق بنیادین کار. ۲) گفتگوی دولت و شرکای اجتماعی. ۳) گسترش حمایتهای اجتماعی. ۴) حق پیگیری حقوق صنفی و مدنی کارگری. ۵) اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات تامین اجتماعی و روابط کار. ۶) اشتغال مولد. ۷) اصلاح قوانین و مقررات در جهت انطباق با استانداردها و مقابله نامه های بین المللی و ... ۸) اتخاذ تدابیر لازم برای اعزام نیروی کار به خارج از کشور.

با تعمق در برنامه چهارم توسعه سیاستهای کلی این برنامه چهارم در خصوص کشاورزی و اشتغال آن را می توان چنین برشمرد:

الف. تحقق رشد اقتصادی پیوسته، با ثبات و پرشتاب متناسب با اهداف چشم انداز.

ب. ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری.

ج. فراهم نمودن زمینه های لازم برای تحقق رقابت پذیری کالاها و خدمات کشور در سطوح داخلی و خارجی و ایجاد سازوکار مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیرنفتی

د. ایجاد ساز و کار مناسب برای رشد بهره وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب، خاک و ...).

ه. تامین امنیت غذایی کشور با تکیه بر تولید از منابع داخلی و تاکید بر خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی.





و توسعه روستاها.

با بررسی اصول کلی و مواد مزبور نکات زیر آشکار خواهند شد:

۱ - در ماده (۱۸) ناسازگاری آشکاری بین محورهای تولید محصولات اساسی کشاورزی و تامین امنیت غذایی برنامه توسعه کشاورزی با سه محور دیگر وجود دارد. تاکید بر اقتصادی نمودن تولید و افزایش رشد اقتصادی آن با توجه به استقرار نیروی کار کشاورزی در ناحیه سوم تولید، به صورت غیر مستقیم به معنای سرمایه بر کردن فعالیتهای کشاورزی و تزریق بیشتر سرمایه در این بخش خواهد بود.

۲ - از آنجا که مناطق روستایی به عنوان بستر کشاورزی، کم توسعه یافته ترین مناطق ایران هستند، در ماده (۲۷) سیاستگذار تزریق سرمایه را به مناطق کمتر توسعه یافته مورد تاکید قرار داده است (سرمایه بری فعالیتهای)

۳ - به دلیل نبود سازوکار سه جانبه گرایی در کشاورزی، معلوم می شود در برنامه چهارم اهمیت چندانی به اشتغال بخش کشاورزی داده نشده است و شالوده مواد برنامه مرتبط به نیروی کار بخشهای صنعت و خدمات می باشد.

۴ - عملاً مقوله «توسعه مبتنی بر دانایی» در بخش کشاورزی دنبال نمی شود. به عبارتی دیگر توسعه کشاورزی مبتنی بر دانایی با چنین تفکری در مورد اشتغالزایی بخش کشاورزی، نامفهوم خواهد بود. چراکه در صورت توسعه این بخش بر اساس دانایی، ضرورت دارد که برنامه منسجمی برای جایگزینی نیروی کار تحصیلکرده متخصص (فارغ التحصیلان کشاورزی) وجود داشته باشد که عملاً این چنین نیست. زیرا دولت هیچ گونه برنامه ای برای حل مشکل بیکار شدن نیروی کار کم سواد و بیسواد فعلی که باید از بخش کشاورزی خارج شود را ندارد.

۵ - ماده (۹۵)، تنها ماده ای است که به صراحت بر ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی و مناطق روستایی تاکید دارد. با این وجود در طی مدت زمانی که از برنامه چهارم توسعه می گذرد مفاد این ماده اجرایی نشده است. بدیهی توزیع سهام عدالت به دلیل شیوه تاثیر آنها بر حیات روستائیان در آینده نمی تواند نمودی اجرایی از این بند

تلقی گردد

۶ - تنها کاری که در زمینه برنامه توسعه کار شایسته صورت گرفته، تدوین نماگرهای کار شایسته پژوهشکده مرکز آمار و با همکاری سازمان بین المللی کار (ILO) است. مفاد محورهای کار شایسته نشان می دهد که هدف از تدوین آن، بیشتر رفع مشکلات اشتغال بخشهای صنعت و خدمات بوده و در آن توجه چندانی به موانع اشتغال بخش کشاورزی نشده است.

۷ - رشد اقتصادی بخش کشاورزی بر اساس نتایج متعدد تحت تاثیر مثبت زمین، موجودی سرمایه و شرایط اقلیمی مناسب و تحت تاثیر منفی نیروی کار مازاد قرار دارد. به عبارتی دیگر یکی از الزامات رشد اقتصادی با ثبات و پرشتاب کشاورزی، خروج قسمتی از نیروی کار فعلی بخش است. مازاد نیروی کار این بخش عملاً جذب نیروی کار جدید را منتفی خواهد ساخت (مگر جایگزینی نیروی کار بیسواد و کم سواد توسط نیروی کار متخصص).

۸ - افزایش رقابت (کیفی و قیمتی) محصولات کشاورزی از طریق تزریق تکنولوژی و سرمایه گذاری در این بخش میسر است. هدایت فعالیتهای کشاورزی به سمت سرمایه بری می تواند باعث بیکاری بخشی از کشاورزان و عدم جذب بیکاران کنونی گردد.

۹ - با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده، افزایش بهره وری عوامل تولید، تنها از طریق تزریق بیشتر سرمایه و کاهش یا حفظ سطح فعلی اشتغال در بخش کشاورزی میسر است

۱۰ - سیاستهای خودکفایی و امنیت غذایی می تواند مانعی فراروی رشد و توسعه اقتصادی بخش بوده و ایجاد اشتغال را در این بخش دچار محدودیت سازد. به عبارتی دیگر تا زمانی که بخش کشاورزی ملزم به تامین امنیت غذایی کشور و تحقق خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی باشد، بهره برداری بهینه از عوامل تولید و توسعه همه جانبه این بخش با محدودیت روبرو خواهد بود و در برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های کلان کشور این بخش در حاشیه قرار خواهد گرفت. بخش کشاورزی ایران با چنین سیاستی عملاً در خدمت منافع شهری و تامین کننده منافع بخشهای خدمات و صنعت خواهد بود. نگاه سیاستگذاران و برنامه ریزان به کشاورزی در این سیاست، نگاه استثماری به

نظر می رسد و به افزایش شکاف رفاه شهری و روستایی می انجامد. بهتر است که سهم بخش کشاورزی در تامین امنیت غذایی کشور و تحقق خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی با توجه به منافع خود بخش تعیین گردد نه منافع دیگر بخشهای اقتصادی. بخش کشاورزی ایران بسان شترمرغی است که هم باید تخم بگذارد (ایجاد امنیت غذایی و خودکفایی و ...) و هم باید بار برد (ایجاد اشتغال).

۱۱ - ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستائیان و کشاورزان و رفع فقر با تقویت زیرساختهای مناسب تولید و تنوع بخشی و گسترش فعالیتهای مکمل بویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین یا تاکید بر اصلاح نظام قیمتگذاری محصولات امکانپذیر است. تحقق هدف توسعه روستایی ایران از طریق فعالیتهای کشاورزی از حالت معیشتی به حالت تجاری مقدور می باشد. چنین تحولی در کشاورزی ایران می تواند از طریق ورود سرمایه بیشتر به اشکال مختلف (تکنولوژی و...) و جایگزینی نیروی کار تحصیلکرده و متخصص امکانپذیر است (کاهش یا ثبات اشتغال کشاورزی)

کشاورزی در قانون اساسی

اصل (۴۳) بند (۹) - تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی،

دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند: این بند عملاً بر استراتژیهای نظر به داخل (اولیه و ثانویه) و بدون توجه به استراتژیهای نظر به خارج (اولیه و ثانویه) تاکید دارد. بر اساس تجارب گذشته و مبنای اقتصاد توسعه، استراتژیهای نظر به داخل (اولیه و ثانویه) نمی توانند کشور را به سمت رشد و توسعه اقتصادی هدایت کند (تضاد با رشد و توسعه اقتصادی بخشهای صنعت و کشاورزی).

اصل (۸۱) - دادن امتیاز تشکیل شرکتهای و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است: این اصل با ایجاد محدودیت و ممنوعیت امکان جذب سرمایه گذاری خارجی، هدایت سرمایه خارجی را به عنوان یکی از ابزارها و عوامل موثر (از طریق پرکردن شکافهای چهارگانه) بر رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در بخشهای اقتصادی از جمله کشاورزی دچار مشکل می سازد (تضاد با رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال).

سیاستهای بازار کار در برنامه چهارم توسعه

این سیاستها به صورت خلاصه و در قالب سیاستهای کلان اقتصادی، سیاستهای فعال و سیاستهای تنظیم بازار به صورت مجزا در جدول (۴) ارائه شده اند.

جدول (۴): مقایسه سیاست های بازار کار در برنامه چهارم توسعه کشور

تفصیل سیاستها	
سیاست های کلان اقتصادی موثر بر بازار کار	<ul style="list-style-type: none"> - گسترش بازار محصولات دانایی محور و دانش بنیان - سیاستهای اعطای تسهیلات تکلیفی برای طرحهای سرمایه گذاری اشتغالزا به ویژه در مناطق کمتر برخوردار - معافیت از حقوق و عوارض دولتی برای سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته - سیاست اعطای تسهیلات بانکی از محل سپردههای قانونی بانکها به طرحهای اشتغالزای بخشها - سیاست اعطای تسهیلات ارزی از حساب ذخیره ارزی برای طرحهای سرمایه گذاری - تقویت نهادهای پشتیبانی کننده توسعه کارآفرینی و صنایع کوچک و متوسط - افزایش توان رقابت پذیری بنگاههای فعال در صنایع نوین و فن آوری بالا برای جذب دانش آموختگان دانشگاهها - استمرار سیاست توسعه بخش خصوصی از طریق واگذاری برخی از وظایف دستگاههای اجرایی و فروش شرکتهای دولتی به بخش غیردولتی
سیاست های فعال بازار کار	<ul style="list-style-type: none"> - سیاست گسترش سرمایه گذاری از طریق اختصاص منابع وجوه اداره شده در قالب پارانه سود و کارمزد تسهیلات بانکی (و یا تلفیقی) - سیاست اعطای تسهیلات ارزان قیمت و پارانه ای به طرحهای کوچک و توسعه خوداشتغالی - تدوین نظام استاندارد و ارزیابی مهارت نیروی کار کشور با رویکرد بین المللی - استمرار توسعه نظام کارآموزی و کارورزی برای تمام آموزش فنی و حرفه ای و علمی و کاربردی - مشارکت دولت در ایجاد صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی و توسعه منابع کوچک - سیاستهای تخفیف در حق بیمه سهم کارفرما برای بکارگیری نیروی کار جدید - اصلاح و بهبود مدیریت نیروی انسانی بخش دولتی با رویکرد جذب متخصصین و نخبگان - سیاست جایگزینی نیروی کار داخلی به جای خارجی - سیاست گسترش مشارکت زنان در بازار کار و تقویت مهارت های آنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فن آوری - سیاست اعزام نیروی کار از طریق ایجاد اشتغال در خارج - سیاستهای توسعه مراکز آموزش فنی و حرفه ای و اعطای وام تسهیلات پارانه ای به این مراکز - طراحی برنامه های ویژه اشتغال و توانمندسازی و آموزش مهارت ها برای دهک های پایین درآمدی - توانمندسازی و بهبود وضعیت اشتغال اینترگران در کلیه برنامه های اشتغالزایی - گسترش برنامه توسعه کار شایسته با رویکردهای نوین بین المللی
سیاست های تنظیم بازار کار	<ul style="list-style-type: none"> - بازنگری در قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار و با سازوکار سه گانه گرایی (دولت، کارگر و کارفرما) - بازنگری در رشته های دانشگاهی بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی





خلاصه نتایج و پیشنهادات سیاستی

الف. نتایج:

- ۱ - نیروی کار کشاورزی و روستایی ایران، فاقد خصیصه توسعه‌گرای است.
- ۲ - از میان سیاستهای چهارگانه اشتغال (فعال، کلان اقتصادی، تنظیمی و حمایتی) در بخش کشاورزی، تنها از بخشی از سیاستهای منفعل (معافیت مالیاتی) و سیاستهای کلان اقتصادی استفاده می‌شود.
- ۳ - علیرغم اتخاذ سیاستهای اشتغالزایی متعدد در برنامه های توسعه کشور، اجرایی کردن آنها دچار مشکل بوده است.
- ۴ - سیاست افزایش اشتغال در کشاورزی با اهداف رشد و توسعه این بخش و مناطق روستایی سازگار نیست
- ۵ - بخش کشاورزی ایران، نیازمند نیروی کار ماهر و تحصیلکرده و کاهش نیروی کار کنونی از طریق جایگزینی سرمایه است.
- ۶ - علیرغم تاکید برنامه چهارم توسعه بر توسعه اشتغال، به دلیل ضرورت دستیابی به رشد اقتصادی هدف، سرمایه بری فعالیت ها مورد توجه قرار گرفته است
- ۷ - اشتغال بخش کشاورزی در راهبرد سه جانبه گرای دولت، کارگر، کارفرما تقریباً جایگاهی ندارد.
- ۸ - توسعه مبتنی بر دانایی در بخش کشاورزی دنبال نمی‌شود.
- ۹ - بخش کشاورزی ایران در برنامه توسعه کار شایسته در برنامه چهارم، جایگاهی ندارد.
- ۱۰ - سیاستهای خود کفایی و امنیت غذایی تامین کننده منافع دیگر بخشها بوده و باعث عقب ماندگی بخش کشاورزی می‌گردد.
- ۱۱ - تاکید قانون اساسی بر استراتژیهای نظریه داخل (اولیه و ثانویه) و ایجاد محدودیت برای سرمایه گذاری در بخش کشاورزی با رشد و توسعه کشاورزی و ایجاد اشتغال در آن سازگار نیست.

ب. پیشنهادات سیاستی:

- ۱ - کاهش نیروی کار غیر ماهر و جایگزینی آن با نیروی کار تحصیلکرده و متخصص و سرمایه در بخش.
- ۲ - خروج سیاستهای توسعه کشاورزی از سایه سیاستهای توسعه دیگر بخشها.
- ۳ - رفع موانع فراروی بخش کشاورزی در اصول ۴۳ و ۸۱ قانون اساسی.
- ۴ - تمرکز منحصر توسعه اشتغال کشاورزی بر حوزه صنایع تبدیلی و تکمیلی.
- ۵ - تعدیل و تجدید نظر در سیاستهای افزایش اشتغال کشاورزی.
- ۶ - تدوین سیاستهای چهارگانه اشتغال (فعال، کلان اقتصادی، تنظیمی و حمایتی) برای بخش کشاورزی.
- ۷ - پیگیری و اجرای توسعه مبتنی بر دانایی در کشاورزی.
- ۸ - تجدیدنظر در سیاستهای خود کفایی و امنیت غذایی و رفع محدودیتهای فراروی رشد و توسعه کشاورزی در این زمینه.

مآخذ:

- ۲ - بلالی، حمید و خلیلیان. ۱۳۸۲. تاثیر سرمایه گذاری بر اشتغالزایی و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۱(۴۲) - (۴۱)
- ۳ - بیدآباد، بیژن. ۱۳۸۳. ارتباطات بین بخشی و هدفگذاری افزایش اشتغال کشور. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۲(۴۶)
- ۴ - تقوی، مهدی و رضایی. ۱۳۸۳. بررسی سیاستهای مالی بر مصرف و اشتغال در اقتصاد ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۴(۴) (پیاپی ۱۵)
- ۵ - جهانگیر، منصور. ۱۳۸۰. قانون اساسی ج.ا. ایران. نشر دوران، چاپ یازدهم، تهران.
- ۶ - حداد کشاورز، غلامرضا. ۱۳۸۳. ارزیابی پتانسیل های اشتغال زایی بخش های مختلف اقتصاد ایران. پژوهشهای اقتصادی ایران، ۶(۱۸).
- ۷ - خلیلی عراقی، سید منصور و سوری. ۱۳۸۴. اشتغال در بخشهای تولیدی و نقش عوامل طرف تقاضا. تحقیقات اقتصادی، - (۶۸).
- ۸ - دباغ، رحیم. ۱۳۸۴. سیاستهای اشتغالزایی کشورهای مختلف و ایران. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۱(۴-۳).
- ۹ - دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۶. برنامه اقتصاد بدون اتکا بر درآمدهای حاصل از نفت خام (بهره وری، اشتغال و جمعیت).
- ۱۰ - رضوی، محسن و مشرفی. ۱۳۸۳. تحلیل دینامیکی اشتغال در اقتصاد ایران (بررسی مورد قانون اکان). پژوهشهای اقتصادی ایران، ۶(۱۸).
- ۱۱ - رمضان پور، اسماعیل. ۱۳۸۴. جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن روی اشتغال. تحقیقات اقتصادی؛ (۶۸).
- ۱۲ - زاهدی مازندران، محمد جواد. ۱۳۸۳. ضرورتهای کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۲(۴۵)
- ۱۳ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. آذر ماه ۱۳۸۲. سند چشم انداز ج.ا. ایران در افق ۱۴۰۴. ش و سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا. ایران: بلاغیه مقام معظم رهبری.
- ۱۴ - طالع خرسند، هادی. ۱۳۸۴. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا. ایران. انتشارات جمال الحق، چاپ سوم، تهران.
- ۱۵ - کریمی پتانلار، سعید. ۱۳۸۳. خصوصی سازی، اندازه دولت و اشتغال در جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی: ویژه اقتصاد، ۴(۱۳).
- ۱۶ - کمیجانی، اکبر و قوی دل. ۱۳۸۵. نقش آزادسازی تجاری بر بازار کار و اشتغال و برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۲(۶) (پیاپی ۲۰).
- ۱۷ - مرکز آمار ایران.
- ۱۸ - موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد. ۱۳۸۲. عوامل ضد اشتغال.
- ۱۹ - مهدوی، ابوالقاسم، عزیز محمدلو. ۱۳۸۳. سرمایه گذاری مستقیم خارجی و اشتغال در کشورهای در حال توسعه. دانش و توسعه، ۱۵
- ۲۰ - نظری، محسن، گوهریان. ۱۳۸۱. بررسی اثر متغیرهای سیاست پولی بر اشتغال به تفکیک بخشهای عمده اقتصادی در ایران (۷۸-۱۳۴۵). تحقیقات اقتصادی؛ (۶۰)